

«بررسی سهم زبان فارسی در قدرت نرم و دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران»

محمدعلی ربانی

چکیده:

زبان جزء لاینفک از یک فرهنگ و تمدن و میانجی مهمی جهت فهم درست ارزش‌های فرهنگی یک ملت بشمار می‌رود. از این رو، امروزه زبان ابزاری صرف برای گفت‌وگو و اقناع محسوب نمی‌گردد بلکه می‌تواند پیامدهای مهمی برای حفظ منافع دیپلماتیک، ژئوپلیتیکی و اقتصادی یک کشور به دنبال داشته باشد. این ویژگی، زبان را به عنوان یک منبع قدرت نرم تبدیل کرده و ترویج و آموزش زبان به عنوان یک رویه بین‌المللی جهت اعمال دیپلماسی فرهنگی و عمومی کشورها مورد توجه قرار گرفته است. از این رو امروزه موسسات آموزش زبان و ابتکارات دولت‌ها برای توسعه و ترویج زبان، بخشی از پارادایم جدید دیپلماسی عمومی و منبعی برای ایجاد قدرت نرم بشمار می‌رود. زبان فارسی نیز در طول تاریخ گذشته همواره نشان داده است که به عنوان عامل مهم قدرت نرم ایرانیان این توانایی و قابلیت را داشته است تا ضمن افزایش دانش فرهنگی مخاطبین خارجی نسبت به ایران، در ایجاد و شکل‌گیری وضعیت همدلانه و همسو، فراهم سازی فرصت‌های پایدار برای جلب مشارکت جوامع در فرهنگ سازی و تمدن سازی مشترک، سهم مهمی بر عهده گیرد. هدف این مقاله ضمن تشریح نسبت زبان با دیپلماسی فرهنگی و کارکردهای آن در دنیای معاصر، به توضیح ارتباط زبان فارسی در تولید قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و پاسخ به این پرسش که امروزه چگونه ترویج زبان و ادبیات فارسی را می‌توان به قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی و عمومی تبدیل کرد، می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها:

زبان، کارکردها، دیپلماسی فرهنگی، قدرت نرم، زبان فارسی، ظرفیت‌ها و تصویرسازی‌ها

مقدمه

یکی از ویژگی طبیعی انسانی و از نمادهای خلاقیت و عقلانیت برای درک معانی زبان بشمار می‌رود. انسانها از طریق، زبان افکار و احساسات خود را بیان می‌کنند و با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و همچنین کارکردهای اجتماعی مختلف را به اجرا می‌گذارند. کارکردهایی شامل ایجاد واقعیت اجتماعی مشترک بین افراد، انجام اعمال اجتماعی مانند گفتگو، بحث و سخن گفتن با دیگری.

زبان همچنین، نشانگر هویت قومی، ملی یا مذهبی است، به طوری که مردم مایلند برای دفاع از آن بجنگند همانگونه که از سایر نمادهای هویت اجتماعی خود همانند پرچم ملی دفاع می‌کنند. نقش زبان به عنوان نظریه هویت اجتماعی در کنار نظریه‌های نسبتاً تخصصی تری همانند نظریه هویت قومی زبانی مطرح است!

در واقع، ترویج زبان به معنای امکان ایجاد و صدور یک هویت فرهنگی مشترک در میان مردم یک سرزمین با ساکنان دیگر کشورها بشمار می‌رود. این امر نه تنها با هدف ترویج یک زبان فراملی دنبال می‌گردد بلکه در فرآیند ملت سازی و تمدن سازی و همچنین در شکل دهی عناصر قدرت و میزان نقش یک کشور در کشوری دیگر نیز بکار گرفته می‌شود. این مزیت و ویژگی ممتاز آدمی بر سایر موجودات از دیرباز شاهراه اصلی ارتباط و مبادلات و آشنایی با فرهنگ‌ها بشمار می‌رفته است. لذا از طریق میزان حضور و نفوذ یک زبان و ادبیات کشوری در سایر فرهنگ‌ها می‌توان به تاریخچه و پیشینه روابط فرهنگی و همچنین قدرت و قابلیت تاثیرگذاری فرهنگی آن ملت با دیگر جوامع پی برد و نسبت به بازتاب‌های مثبت این روابط در ذهن تاریخی آن ملت به قضاوت نشست.

امروزه در عصر ارتباطات و اهمیت یافتن کارکرد دیپلماسی فرهنگی در افزایش قدرت نرم ملت‌ها، اهمیت زبان که بازتابی از ارزش‌ها، باورها و ویژگی‌های فرهنگی تاریخی و تمدنی یک ملت بشمار می‌رود بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است.

¹ Dominic Abrams and Michael A. Hogg *Dominic Abrams January 2010 Social Identity and Self-Categorization institution/University_of_Kent*.

بسیاری از کشورها موضوع آموزش زبان و توسعه و گسترش ارتباطات ادبی را به نکته کانونی دیپلماسی عمومی و فرهنگی خود تبدیل نموده و تمرکز اصلی دیپلماسی فرهنگی خود را به امر توسعه آموزش زبان در سایر ملت ها قرار داده‌اند. از این رو امروزه رقابت در گسترش دیپلماسی فرهنگی و عمومی از طریق توسعه آموزش زبان، مبارزه ای برای تصرف و مدیریت هوشمندانه ذهن ها و ابزار مهمی در زرادخانه قدرت نرم بشمار آمده و نمایه جهانی آن در سال های اخیر افزایش چشمگیری داشته است.^۲ از زمان حادثه ۱۱ سپتامبر، دیپلماسی عمومی به عنوان یک ابزار سیاست خارجی که شامل ارتباطات دو طرفه بشمار می آمده و مخاطبان خارجی را هدف قرار می‌دهد، در نظر گرفته شده که می تواند قدرت نرم یک کشور را افزایش دهد. برخلاف دیدگاه‌های دولت‌محوودولت‌گرایانه، در دیپلماسی فرهنگی که در گذشته مورد توجه بوده است امروزه دیدگاه‌های غیرسنتی، غیردولتی، جامعه‌محوری و کنش های سود ده و پُر مخاطب در دیپلماسی عمومی مورد توجه قرار گرفته است.

از آنجا که بازیگران غیردولتی را موضوع اصلی دیپلماسی عمومی می دانند این بحث به موضوع ترویج زبان ارتباط تنگاتنگی پیدا کرده است. چرا که در این محیط نهادی بخش عمده از صحنه گردانان زبان آموزان بشمار می روند که از توده های مردم محسوب می‌گردند و همچنین بازیگرانی نقش ایفا می‌نمایند که در قالب موسسات آموزشی و مربیان زبان خود را به ظاهر نمایندگان دولت ها نمی دانند.^۳ از این رو درک رابطه و نسبت بین دیپلماسی فرهنگی و عمومی با آموزش زبان ساده خواهد بود وقتی به این موضوع توجه نمائیم که امروزه هزاران نفر عناصر آموزش دیده و حرفه ای به عنوان مربی زبان و دیپلمات غیر رسمی در سراسر جهان در چارچوب اهداف سیاست خارجی کشورهایشان و وظایف همسو سازی و ترویج ارزش های فرهنگی خود را از طریق آموزش زبان به مخاطبین جوامع هدف برعهده دارند.

هدف این مقاله بررسی ساختار گفتمانی زبان به عنوان قدرت نرم و پیشینه‌های فرهنگی، تاریخی و سیاسی آن در روابط میان ملت ها و نقش آن در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. این پژوهش ضمن تحلیل جایگاه زبان در گفتمان قدرت نرم و دیپلماسی فرهنگی به ظرفیت ها و ضرورت‌های بهره گیری از زبان و ادبیات فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران خواهد پرداخت.

بررسی نسبت زبان و دیپلماسی فرهنگی و عمومی

زبان یکی از اساسی ترین ویژگی های زندگی اجتماعی بشمار آمده و انسان ها از بدو تولد برای بقاء خود و رفع نیازهایش به دیگری از ارتباط زبانی بهره می جویند. زبان نه تنها ابزار گفت وگو، بلکه جوهر ارتباطات دیپلماسی است. هیچ چیزی همانند زبان از قابلیت و قدرت قانع کننده گی و تصویرسازی در جهت تحقق اهداف دیپلماسی و روابط بین الملل نقش و سهم ندارد. در تاریخ روابط بشر، زبان به عنوان یک ویژگی برجسته محسوب می شده است. زبان به ما اجازه می‌دهد تا در تبادل دانش و بهره‌مندی از دانش و تجربه دیگران و ایجاد پلی جهت تشریک مساعی برای همکاری برای فرهنگ سازی و دستیابی به تمدن که حاصل مساعی مشترک ملت هاست بهره گیریم. همانگونه که در فرآیندهای دیپلماسی نیز برقراری ارتباط، مذاکره، دستیابی و تنظیم توافقات، جمع آوری، ایجاد، انتقال و ثبت دانش نیز به زبان بستگی دارد. مطالعات دیپلماسی معمولاً بر پیام متمرکز است. با این حال، بررسی استفاده از زبان در دیپلماسی می تواند به درک بهتری از نحوه عملکرد دیپلماسی و اینکه چرا برخی از فرآیندهای دیپلماتیک موفق تر از سایرین هستند منجر شود. از طریق توجه دقیق و انتقادی به جنبه‌های مختلف زبان دیپلماتیک، می‌توانیم درک خود را از پیام‌های صریح و ضمنی که رهبران جهان و سایر شخصیت‌های سیاسی ارسال می‌کنند بهبود بخشیم و توانایی خود را برای برقراری ارتباط به مؤثرترین و مناسب‌ترین راه‌ها ارتقا دهیم. زبان همچنین می تواند به عنوان شکلی از کنش عمل کند. تئوری عمل گفتاری نشان می دهد که نه تنها کلمات قدرت ایجاد اعمال را دارند، بلکه بسیاری از گفته ها به خودی خود نوعی عمل هستند. این رویکرد به زبان به عنوان عمل برای دیپلماسی اهمیت می دهد، زیرا تأیید می کند که مداخلات و ارتباطات دیپلماتیک فقط وسیله ای برای رسیدن به هدف نیستند، بلکه ممکن است به خودی خود هدف باشند.^۳ از این رو دیپلمات ها از طریق زبان در جهان عمل می کنند. بنابراین مهم است که بفهمیم آنها دقیقاً با استفاده از زبانی که استفاده می کنند چه می کنند. همانگونه که هدف از گفت وگو متقاعدسازی، تغییر نگرش ها و رفتار مرتبط با طرف دیگر در راستای عقاید یا هدف خود

^۲Fairclough, N. L. 1989. *Language and power*. London: Longman.

^۳Ng S. H., & Bradac, J. J. (1993). *Power in language: Verbal communication and social influence*. Newbury Park, CA: SAGE. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.4135/9781412994088.n202>

است. لذا هنر متقاعدسازی، ویژگی عمده ارتباطات زبانی است که به گویندگان در دستیابی به اهدافشان کمک می‌کند. همانگونه که رویدادهای جهانی از سخنان و اعمال رهبران ملی و سیاستمداران آغاز می‌شود. کار دیپلماسی عمدتاً مبتنی بر توانایی در استفاده از زبان برای متقاعد کردن است. گفتار یا نوشتار هرگز در خلأ رخ نمی‌دهد، بلکه در یک موقعیت تاریخی، فرهنگی، زمانی که ارتباط تنگاتنگی با نحوه ارتباط دارد. چارچوب گفتمان به یک معنا، به چیزی اشاره دارد که باعث ایجاد یا القای ارتباط می‌شود. لذا همانگونه که دیپلمات‌ها در مذاکرات، از طریق بکارگیری زبان به متقاعد کردن، ارائه و تشریح دیدگاه‌های خود می‌پردازند و مهارت‌های زبانی را برای انجام مؤثر کار دیپلماتیک بهره می‌گیرند از طریق آموزش و ترویج زبان نیز درصددند تا پل ارتباطی مستحکمی با جوامع هدف خود برقرار نمایند. هر دو زبان نوشتاری و گفتاری که مستلزم تسلط بر مفاهیم و مهارت‌ها هستند پیام و زمینه‌های خاص خود را دارند. امروزه، فناوری به طور مداوم جنبه‌های خاصی از زبان و دیپلماسی را معرفی نموده است. دیپلماسی عمومی نیز که رکن مهم سیاست خارجی بسیاری از کشورها بشمار می‌آید با هدف جذب مخاطبان خارجی از طریق هنر، انتقال دانش، رسانه، زبان و حمایت‌های فرهنگی و امدادی دنبال می‌گردد. این بخش از اعمال قدرت نرم یک کشور که بر منابع فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌های آن تکیه دارد توانایی تأثیرگذاری بر دیگران را برای به دست آوردن نتایج مورد نظر از طریق جذب و همسوسازی فراهم می‌سازد. از اینرو عملکرد و نقش زبان در حفظ و تغییر روابط قدرت در جامعه مدرن، مورد توجه جدی می‌باشد. چرا که نقش زبان نسبت به افزایش آگاهی از فرهنگ‌ها و همچنین ایجاد تغییر و توانایی بیشتر در مخاطبین در درک درست‌تر از ارزش‌های فرهنگی حایز اهمیت می‌باشد. مفهوم سازی دیپلماسی زبان به عنوان زیرمجموعه‌ای از دیپلماسی عمومی جدید و همچنین زیرمجموعه‌ای از روابط فرهنگی بین‌المللی با درک کارکردهای پایدار فرهنگی زبان قابل درک است. چرا که یک زبان می‌تواند درهای زیادی را به روی زبان آموز باز کند و ابزار مهمی برای برقراری ارتباط با دیگر ملت‌ها محسوب گردد. این به زبان آموز اجازه می‌دهد تا به منابع دست اول جهت شناخت آن کشور دسترسی داشته باشد و فرصت‌ها و ظرفیت‌های مناسبی را جهت توسعه همکاری‌های تجاری، آموزشی و فرهنگی بین کشورها پدید آورد. همانگونه که به موضوع ترجمه نیز می‌توان به عنوان بخشی از یک پویایی فرهنگی توجه کرد. جاذبه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یک کشور می‌تواند براهمیت آموزش و فراگیری زبان و جذب تصمیم‌گیرندگان و تشویق مخاطبان خارجی به شرکت در فعالیت‌های اقتصادی با هم‌تایان خود در کشور می‌دهد که زبان می‌آموزند مؤثر باشد. فراگیری زبان به اعضای یک جامعه امکان می‌دهد تا احساس کنند که به گروه خاص و بزرگتری فراتر از مرزهای جغرافیایی تعلق دارند، حتی اگر یکدیگر را نشناسند. همانگونه که می‌تواند روند شکل‌گیری تصویرسازی‌های مدیریت شده ملت در ذهن مردم آن جامعه را شکل دهد حتی اگر هرگز به کشوری که زبان آن را فرامی‌گیرند نرفته باشند. با این حال، امروزه این استراتژی بسیار مهم است که آموزش زبان از منظر دیپلماسی عمومی جدید پیروی کند، جایی که یک سیستم ارتباطی دو طرفه از طریق یادگیری زبان تداوم می‌یابد. این امکان را فراهم می‌آورد که تصویری مثبت از آن کشور را از طریق زبان تبلیغ کند یا تصویری از آن در میان مخاطبان خارجی بسازد. روشی که نوعی خلاقیت و گفتگو برای تصویرسازی محسوب می‌گردد.

نکته مهم دیگر اینکه، زبان یک ابزار متعارف پرکاربرد برای انتقال توانایی و قابلیت‌های برون‌زبانی در بستر ارتباطی فراهم می‌کند. زبان قدرت و قابلیت خاص خود را دارد و این توانایی به یک زبان اجازه می‌دهد تا ملتی را متحد یا تجزیه نماید و یا بسترهای نفوذ در یک ملت را تسهیل گرداند. روند گسترده قابلیت‌های تأثیرگذار زبان را امروزه می‌توان در ارتقاء زبان انگلیسی به جایگاه زبان جهانی مشاهده کرد. روند گسترده مشابهی نیز در مورد یک سبک زبانی خاص اعمال می‌شود که ابتدا قدرت محدود جامعه زبانی را که از این سبک زبانی استفاده می‌کنند را منعکس می‌کند و سپس از طریق پذیرش و استفاده مشترک آن توسط سایر جوامع آنرا توسعه می‌دهد. همانگونه که انگلیسی امروزه به یک زبان جهانی با وضعیت رسمی یا ویژه در حداقل ۷۵ کشور تبدیل شده است. همچنین زبان رسمی در سازمان‌ها و شرکت‌های بین‌المللی و همچنین دانشگاه‌ها ست و معمولاً در تجارت، رسانه‌های جمعی بین‌المللی و سرگرمی واز طریق اینترنت به عنوان منبع اصلی اطلاعات استفاده می‌شود. انگلیسی زبانان بومی اکنون می‌توانند مسیر جهانی زبان انگلیسی را برای یافتن شغل در خارج از کشور بدون نیاز به یادگیری زبان محلی دنبال کنند و در عوض ممکن است از مزیت زبان رقابتی در جایی که شغلی مستلزم تسلط بر زبان انگلیسی است، برخوردار شوند.^۴ مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی آموزش

⁴ <https://www.diplomacy.edu/people/stanko-nick/> Stanko nick, 2001, Use of language in diplomacy. Danet, B. (1980). Language in the legal process. Law and Society Review, 14, 445-564.

⁵ Suárez Castiñeira, M. L. (2013). Language, Power and International Relations: The Case of English in the EU. Challenges of the Knowledge Society, 3, 1096-1106.

⁶ Crystal, D. (2012). English as a global language, 2d ed. Cambridge University Press.

انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی در بسیاری از کشورها بیش از فراگیری زبان حایز اهمیت است. از اینرو کشورهای اروپایی از موسسات آموزش زبان به عنوان شبکه دیپلماسی فرهنگی پایدار خود بهره می جویند. اهمیت کارکرد زبان بگونه ای است که حتی در شرایط بحران های بین المللی همانند بحران اوکراین، کشورهای عضو اتحادیه اروپا با تمرکز بر موضوع زبان روابط جدی تری را با مخاطبین خود در روسیه برقرار می نمایند. بحران بین المللی و جنگ در اطراف اتحادیه اروپا مانع از تلاش آژانس های فرهنگی کشورهای این اتحادیه برای باز نگه داشتن کانال دیپلماسی فرهنگی با روسیه از طریق زبان نشد. درگیری اوکراین که زمینه را برای تحلیل نقش مؤسسات فرهنگی این کشورها بدنبال داشت موجب گردید تا این کشورها تلاش نمایند تا در یک شبکه دیپلماسی فرهنگی آموزش زبان به عنوان اهرم کنترلی بر راهبردهای دیپلماسی فرهنگی خود عمل نمایند.

زبان فارسی نیز در طول تاریخ گذشته همواره نشان داده است که به عنوان عامل مهم قدرت نرم ایرانیان این توانایی و قابلیت را داشته است تا ضمن افزایش دانش فرهنگی مخاطبین خارجی نسبت به ایران، در ایجاد و شکلگیری وضعیت همدلانه، و ایجاد فرصت های پایدار و شکل دهی حاکمیت های همسو و تمدن سازی مشترک سهم مهمی بر عهده گیرد. شاید واضح ترین نمونه این سخن را می توان از تجربه تاریخی و تاثیر زبان فارسی در ظهور قدرت های سیاسی و حکومت های محلی همگرا در شبه قاره درک نمود. چرا که بخشی از روند ملت سازی و تمدن سازی دوره هند اسلامی تحت تاثیر فرهنگ و زبان فارسی و بویژه عناصر فارسی زبانی بوده است که در زوایای گوناگون حاکمیتی، سیاسی، نظام اداری، سنت های فرهنگی اجتماعی و مذهب ایفا نقش نمودند. نکته حایز اهمیت دیگر در خصوص سهم زبان در دیپلماسی فرهنگی، کارکرد شبکه سازی آموزش زبان به عنوان ارتباطات شبکه ای مطرح می باشد. مهمترین قابلیت آموزش زبان ایجاد روابط قوی بین زبان آموزان با مجریان و مربیان است. مؤسسات آموزش زبان به عنوان حلقه های شبکه های دیپلماسی عمومی و فرهنگی سعی می نمایند ضمن همگرایی با دیپلماسی عمومی در مسیر تحقق اهداف سیاست خارجی، مجموعه ای از ظرفیت های شبکه ای از نیروهای همسو را از طریق آموزش زبان و تاثیرگذاری های آن در تصویرسازی ساماندهی نمایند. این مراکز در حین فعالیت در خارج از کشور، با شرکای خارجی خود همانند دانشگاه ها و مؤسسات فرهنگی در کشورهای میزبان در یک فرآیند پیوند با زبان آموزان در نهادهای همسو و همتا همچنین مردم کشورهای میزبان ارتباط شبکه ای برقرار می نمایند.

رابطه زبان و قدرت نرم

رابطه زبان و قدرت نرم از مطالعات زبان شناسی اجتماعی، بشمار می آید. در سطح کلان، قدرت زبان، ناشی از قدرت جمعی جوامعی است که به آن زبان صحبت می کنند. برای مثال، تسلط انگلیسی به عنوان یک زبان جهانی و زبان بین المللی، کمتر به کیفیت زبانی آن مربوط می شود و بیشتر به وضعیت اجتماعی جامعه انگلیسی زبانان و فرهنگ و ارزش های حاکم بر آن و میزان تاثیرگذاری و قدرت بازیگری آنان در عرصه های بین المللی مربوط می گردد. همین ویژگی منعکس کننده میزان تاثیرگذاری و نفوذ زبان در ایجاد تغییرات در محیط بین المللی بشمار می رود. سه رابطه دیگر زبان و قدرت به توانایی خود زبان اشاره دارد که مبتنی بر تطبیق پذیری ارتباطی زبان و طیف گسترده ای از کارکردهای شناختی، ارتباطی، اجتماعی و هویتی آن در معنا سازی، تعامل اجتماعی و سیاست های زبانی انعکاس می یابد. چنین قدرت زبانی، برای حفظ سلطه موجود در گفتمانها، و تاثیر بسیار زیاد آن بر وحدت و اختلاف ملی و همچنین توانایی آن در ایجاد نفوذ از طریق کلمات، خطابه ها، گفتگوها و روایت ها است.^۹ وقتی صحبت از استفاده از زبان به عنوان قدرت نرم می شود، باید در نظر داشت که شاید زبان به خودی خود ممکن است لزوماً منبع چنین قدرتی نباشد ولی کشوری که در حال جذب یا ایجاد همسویی ملت کشوری دیگر با خود از طریق آموزش زبان است ظرفیت و پتانسیل تولید قدرت نرم را از طریق فراگیری زبان برای تغییر نگرش های خاص در یک جامعه نسبت به خود دنبال می نماید. چرا که یادگیری و مطالعه یک زبان می تواند نگرش مثبت یا موقعیت مطلوب نسبت به یک دولت و ملتی ایجاد کند و یا نقطه شروعی برای تفکر در مورد فرهنگ آن ملت محسوب گردد. به عبارت کلی تر، این نشان می دهد که

^۷ Cultural Diplomacy as a Network and Networking in International Relations: The Case of Cultural Diplomacy in Russia 2021. <https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/21582440211054119>.

^۸ گراوند مجتبی رخشان غلامی، تاثیر زبان فارسی بر هند دوره گورکانیان، پژوهشنامه تاریخ اسلام، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۳۶ ص ۶۷-۸۶.

^۹ Ng, S. H., & Bradac, J. J. 1993. Power in language: Verbal communication and social influence. Newbury Park, CA: SAGE. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.4135/9781412994088.n202>

در فرآیند یادگیری و مطالعه یک زبان، محصولات فرهنگ عامه یک ملت که می تواند برای ایجاد قدرت نرم مهم باشد به خودی خود مخاطب منتقل می گردد. با در نظر گرفتن میزان واسطه گری زبان در قدرت نرم و تأثیرگذاری آن، می بایستی به محیط ارتباطی بزرگتری که یادگیری زبان می تواند شکل دهد به ویژه محیط جدید مبتنی بر فناوری‌های ارتباطی توجه نمائیم. آموزش زبان از نمونه راه‌های ممکن محسوب می گردد که در آنها تأثیرگذاری فرهنگی از طریق یادگیری و مطالعه زبان تولید می‌شود. چرا که وقتی فرد به مطالعه یک زبان علاقه پیدا می کند خود گام عملی در درک فرهنگی و تمایل به سطح زیبایی شناختی و جنبه های مثبت یک فرهنگ محسوب می گردد. این مهم به جهت قابلیت بالای زبان در افناع نمادین و نفوذ ایدئولوژیک بر هویت های زبان آموزان و فعال سازی آنان در مدار دیپلماتیک و تأثیرگذاری بر تصمیم گیری های آنها از طریق موضع گیری های هدایت شده ای است که در آموزش یک زبان ترسیم شده است. همانگونه که آموزش زبان می تواند در تشویق فراگیران به مبادلات اقتصادی، ویا همکاری های سیاسی و فرهنگی موثر افتد. از اینرو ترویج و گسترش اقتصاد فرهنگی نیز مهم ترین دستاورد آموزش زبان محسوب گردد. این سطوح چشم انداز وسیع تری را در مورد پتانسیل زبان برای ایجاد قدرت نرم به ارمغان می آورد، از یک سو، سطوح همدلانه و ژئوپلیتیکی استفاده از زبان را برای ایجاد جاذبه فرهنگی توضیح می دهد، واز دیگرسوی بر جذب وایفا نقش موثر مریبان وزبان آموزان در مدار دیپلماسی و سطح فایده گرا ی ناشی از جاذبه ها و سودمندی های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی آموزش زبان برای کشور ترویج دهند تاکید دارد.^{۱۰}

این کارکردهای شناختی، ارتباطی، اجتماعی و هویتی، زبان را به یک رسانه اساسی ارتباط انسانی تبدیل می کند. زبان همچنین یک رسانه ارتباطی همه کاره است که اغلب و به طور گسترده در کنار موسیقی، تصاویر و کنش ها برای تقویت و اعمال قدرت از آن استفاده می شود. طیف گسترده ای از کارکردها و قابلیت های زبان و تطبیق پذیری آن با شرایط محیطی به هم ترکیب شده و زبان را قدرتمند می کند. با این حال، این تنها بخشی از آن چیزی است که در واقع یک رابطه پویا بین زبان و قدرت را توضیح می دهد. صحبت کردن به یک زبان ارتباط را تسهیل می کند و تراکنش ها را آسان تر و شفاف تر می کند. در این مورد، تأثیر زبان مشابه فرهنگ رایج مربوط به آن، هنجارهای قانونی یا واحدهای اندازه گیری خاص خود را دارد. بسیاری از فعالیت های فرهنگی عموماً هزینه بر و حساسیت برانگیز بوده و نتیجه آن کمتر قابل پیش بینی است. پیچیدگی های حاکم بر کنش های فرهنگی بدون زبان مشترک بر افزایش احتمال خطاها و سوء تفاهمها نیز می افزاید. در نتیجه، آموزش جهت ایجاد توانایی صحبت کردن جامعه هدف به زبان، به بازده اقتصادی فرهنگی نزدیکتر می باشد. اگر تعداد کافی افراد در دو کشور به یک زبان صحبت کنند، می توانند راحت تر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در نتیجه تجارت بین این دو کشور آسان تر، ارزان تر و فشرده تر خواهد بود.^{۱۱} از این رو، باید انتظار داشته باشیم که زبان ها تجارت دوجانبه را تقویت کنند. اشتراک زبان رسمی مشترک شدت تجارت را افزایش می دهد. با این حال، برای تقویت تجارت، نیازی نیست که زبان ها به عنوان زبان رسمی در هر دو کشور به رسمیت شناخته شوند. تجارت بین المللی به طور فزاینده ای به زبان انگلیسی انجام می شود حتی اگر هیچ یک از طرفین معامله از یک کشور انگلیسی زبان نباشد. عوامل فرهنگی، که ممکن است ارتباط مؤثرتر بین کشورها را ترویج کنند، اغلب با تجارت همبستگی مثبت دارند. از اینرو فراگیری زبان های خارجی یک سرمایه گذاری بی هزینه نیست، اما دستاوردهای آموزش زبان های خارجی فراتر از اثرات تجاری آن است. احتمالاً مزایای بیشتری در بازار کار، علم و آموزش و همچنین در حوزه اجتماعی حاصل می شود. دیگر اینکه؛ ملت ها یی که متشکل از اقوام متعدد بوده و علیرغم پیشینه

¹⁰ Fairclough, N. L. 1989. *Language and power*. London: Longman. Ng, S. H., & Bradac, J. J. 1993. *Power in language: Verbal communication and social influence*. Newbury Park, CA: SAGE. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.4135/9781412994088.n202>.

¹¹ Fidrmuc J, Fidrmuc J, 2009, *Foreign languages and trade*. Discussion Paper No 7228, C.E.P.R. London.

¹ Melissen, J. 2005. *The New Public Diplomacy: Between Theory and Practice*. En J. Melissen (Ed.), *The New Public Diplomacy: Soft power in International Relations* (pp. 3–27). Basingstoke: Palgrave Macmillan.

فرهنگی و قومی گوناگونشان، همگی به یک زبان صحبت می کنند و به یک خط می نویسند، از قدرت وحدت بخشی یک زبان مشترک بهره می برند. اگر زبان به بخشی از هویت ملی مشترک آنها تبدیل شده و به حیات و تمایز روانی آن کمک کند، قدرت زبان در متحد کردن آنان نقش مهمی بعهدہ دارد. چنین قدرتی اغلب توسط رهبران ملی و روشنفکران برای متحد کردن ملت خود و همچنین کشورهای همزبان در راستای اهداف ملی گرایانه دنبال می گردد. با این حال، زبان یک شمشیر دو لبه است: همچنین می تواند یک ملت را از هم جدا کند و موجب بروز تنش در شرایط رقابتی برای وضعیت زبان رسمی که توسط جوامع زبانی اقلیت ها مطرح می شود، گردد و جنگ های زبانی را موجب گردد. یادگیری یک زبان به انسان ها این قدرت را می دهد که از یک سو بر سیستم پیچیده ای از قواعد و ارتباط زبانی و همچنین کارکردهای اجتماعی-شناختی اشراف یابند. همانگونه که یک سخنران ممکن است با نیروی خطابه، امیدهای مردم را تقویت کند، قلب آنها را از نفرت به عشق تبدیل کند و مخاطب را برای تشویق برانگیزد، هیجانش را به اوج برساند. قدرت زبان برای ایجاد تأثیر از طریق کلمات، خطابه ها، گفتگوها، و روایت ها، قابل بررسی است.^{۱۳}

جایگاه زبان در تجربه دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی کشورها

امروزه بخش مهمی از کارکردهای آموزش زبان های خارجی، معرفی و تاثیرگذاری فرهنگی آنست چرا که آموزش زبان صرفا یک مهارت نیست بلکه دروازه های اصلی ورود به فرهنگ ملت ها بشمار می آید. این موضوع امروزه از اهمیت ویژه ای برخوردار گشته بگونه ای که بسیاری از کشورها آموزش زبان را به نقطه کانونی دیپلماسی فرهنگی و عمومی خود تبدیل نموده اند. دیپلماسی زبان امروزه به عنوان بخشی تاثیرگذار از دیپلماسی فرهنگی و ابزاری برای سیاست خارجی در نظر گرفته می شود که در خدمت ایجاد هژمونی با تصویرسازی فرهنگی از طریق تعاملات متمرکز بر آموزش زبان صورت می گیرد. فعالیت موسسات زبان کشورهای غربی و آسیایی نمونه های بارزی است برای نقشی قطعی که زبان در دیپلماسی عمومی جدید ایفا می کند. امروزه دولت ها از آنچه دیپلماسی عمومی می نامند در قالب مبادلات بین فرهنگی، آموزشی و رسانه ای فعالیت می کنند، ولی برای انتقال فرهنگی خود به موضوع آموزش زبان که چشم انداز روشن تری از دستیابی به اهداف فرهنگی همراه با سودآوری بیشتر دارد توجه بیشتری می نمایند. زیرا هدف عمده از ترویج زبان که ایجاد قدرت نرم از طریق جذب و هم فهمی با مشارکت مالی مخاطب می باشد بیشتر محقق می گردد. در این رابطه، آموزش زبان علاوه بر ترویج ارزش های فرهنگی و سیاسی، آن را به عنوان ابزاری مهم برای ارتباط و مدیریت افکار عمومی مخاطبان خارجی متمرکز نموده است. این رویکرد نشان می دهد که موسسات آموزش زبان، معلمان زبان و زبان آموزان می توانند نقشی اساسی به عنوان بازیگران تاثیرگذار دیپلماسی عمومی و پل ارتباطی در انتقال فرهنگی به دیگر کشورها ایفا نمایند. سیاست ها و برنامه های ارائه شده در این مراکز و موسسات عموماً منعکس کننده مزیت های فرهنگی کشورها است. آنها مجموعه ای از آموزه های فرهنگی خود را در قالب زبان به زبان آموزان منتقل می نمایند. چشم انداز اصلی این موسسات ترویج ارزش های فرهنگی در سرتاسر جهان و همچنین بهبود وجهه ملی کشورهاست. برخی کشورها با ایجاد شبکه مؤسسات آموزش زبان این فرصت را یافته اند تا ضمن تجاری سازی دیپلماسی فرهنگی خود، از زبان به عنوان نهاد تاثیرگذار فرهنگی فعال در کشورهای هدف بهره گیرند. امروزه بسیاری از کشورها از جمله انگلیس، فرانسه، اتریش، آلمان، هلند، لهستان، چین، ژاپن، ..، دیپلماسی فرهنگی یا سیاست فرهنگی خارجی خود را با آموزش زبان پیوندی تنگاتنگ زده و آنرا به یکی از ارکان اصلی دیپلماسی عمومی خود تبدیل نموده اند. این کشورها با بهره گیری از ظرفیت زبان که دارای پتانسیل بالای تصویرسازی و درآمدزایی است بخشی از فرایند این نوع دیپلماسی که مبتنی بر «تحلیل

¹ Modebadze, I. 2013. *The National Language Image of the World and the Process of Cultural*.

Zdentk Szmann ۲ 000 Language wars and Linguistic politics, ResearchGate

<https://www.researchgate.net/publication/276000634>

Language Wars and Linguistic Politics Globalization. Socialiniu Mokslu Studijos, 5(1), 101–109.

<https://www.researchgate.net/publication/276000634>.

دیپلماسی فرهنگی شبکه‌ای» است زُا با مبانی رویکرد شبکه‌ای در ارتباطات سامان داده و از نهادها و موسسات آموزش زبان غالباً برای حضور و نفوذ شبکه جهانی خود در کشورهای مختلف استفاده می‌نمایند. دیپلماسی فرهنگی با تمرکز بر آموزش زبان یکی از تأثیرگذارترین نوع دیپلماسی فرهنگی بشمار می‌رود. حتی کشورهایی همانند روسیه و هند در کنار رویدادهای فرهنگی سازماندهی شده خود، با اختصاص و نامگذاری سال آموزش زبان؛ آنرا به کانون فعالیت های فرهنگی خود در سایر کشورها تبدیل نموده اند. ^۵ این دولت‌ها، مؤسسات آموزش زبان را که عمدتاً به دلیل دریافت شهریه از زبان آموزان خودکفا و سود ده می‌باشند را مورد حمایت قرار می‌دهند و دفتر مرکزی و بخش‌های تولید محتوای آن از طریق ارتباط با نهادهای سیاست خارجی و فرهنگی راهبردهای متمرکز و واحدی را در حوزه دیپلماسی عمومی دنبال می‌نمایند. همانگونه که شورای بریتانیا ^۶ بخشی از دیپلماسی عمومی بریتانیا محسوب می‌گردد و با برخی از ظرفیت رسانه ای آن همانند (بی بی سی) و بسیاری از سازمان های غیردولتی در این کشور که در زمینه فرهنگ فعالیت می‌کنند، همکاری تنگاتنگی دارند. موسسه گوته مرتبط ترین گروه شبکه آلمانی ^۷ به حوزه دیپلماسی عمومی و زبان است که در کنار بنیادهایی همانند بنیاد هومبولت، رویس تبادل علمی آلمان، آژانس مرکزی مدارس آلمانی ^۸ خارج از کشور، و برخی نهادهای دیگر سعی ^۹ در گسترش فرهنگ و زبان آلمانی در نقاط مختلف جهان دارند.

در طی قرون گذشته بویژه قرن اخیر زبان به عنوان ابزاری برای تسلط فرهنگی و بخش مهم از استراتژی سلطه و پروژه های امپراتوری بریتانیا درسرمین های مستعمره بشمار می رفته است. آنان به خوبی اهمیت و قدرت زبان برای ایجاد تغییرات فرهنگی اجتماعی و دروازه ورود به افکار و قلب های ملت های مستعمره را درک کرده و دریافته بودند که به هر میزان که در جایگزینی زبان انگلیسی بجای زبان های بومی ملل تحت سلطه موفق شوند مسیر دستیابی به اهداف و منافع سیاسی اقتصادی و فرهنگی خود را نیز تسهیل نموده اند. اگرچه امروزه بسیاری از فعالیت های بریتانیا در این سرزمین ها پایان یافته است، اما استراتژی نفوذ پایدار از طریق گسترش زبان همچنان باقی است. از این رو امروزه فعالیت مؤسسات آموزش زبان کشورهای استعمارگراز جمله انگلیس، به نقطه کانونی و مرکز دیپلماسی فرهنگی و عمومی این کشورها تبدیل شده است. این امر را به راحتی می توان از حضور و فعالیت های گسترده مؤسسات آموزش زبان که هدفشان جذب مردم از طریق زبان به عنوان راهی برای تقویت اعتبار ملی آنهاست، دریافت. امروزه زبان انگلیسی به یک زبان جهانی، یک زبان بین المللی و یک زبان رسانه ای تبدیل گشته است. ضرورتی برای بسیاری از مردمان کشورهای غیربومی انگلیسی زبان که برای شرکت در زیست بوم جهانی خود را نیازمند به فراگیری زبان انگلیسی می دانند. از این پدیده امروزه به عنوان «امپریالیسم زبانی» می توان یاد کرد. از آنجایی که گسترش زبان انگلیسی بر گستره چندزبانگی کشورهای غیرانگلیسی زبان افزوده است، این امر بر سایر کشورهای جهان فشار می آورد تا آنها نیز زبان انگلیسی را در مناسبات و فعالیت های آموزشی و تجاری خود بگنجانند و با استفاده گسترده از آن برتری زبان انگلیسی و اعمال قدرت آنرا در بین زبان های دیگر حفظ کنند. موسسه گوته دفاتر منطقه ای خود را به عنوان "شبکه موسسه گوته" تعریف می نماید. موسسه گوته در ۹۸ کشور با ۱۵۹ دفتر فعالیت داشته است. انستیتو گوته به عنوان یک گروه نیمه

¹ Sik Hung Ng and Fei Deng, 2017, Language and Power, Oxford Research Encyclopedia. Cultural Diplomacy as a Network and Networking in International Relations: The Case of Cultural Diplomacy in Russia 2021 | <https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/21582440211054119>.

^{۱۵} برپایی سال زبان و ادبیات آلمانی توسط انستیتو گوته سال ۲۰۱۲ در روسیه، برپایی سال فرهنگ هلندی-روسی در ۲۰۱۳، برپایی سال فرهنگی زبان و ادبیات انگلیسی در روسیه توسط شورای بریتانیا در ۲۰۱۶، سال زبان و فرهنگ روسی در لهستان در ۲۰۱۶ توسط موسسه Adam Mickiewicz سال لهستان در روسیه ۲۰۱۵، از جمله نمونه های فعالیت کشورها در این زمینه بشمار می رود.

¹ <https://www.britishcouncil.org/>

¹ GI

¹ <https://www.humboldt-foundation.de/en/>

¹ IfA—Institute for Foreign Relations, Michels

مستقل از دستگاه سیاستگذار فرهنگی و خارجی آلمان عمل می کند، زیرا بنیادی است که در راستای اهداف دولت آلمان بر آموزش زبان آلمانی تمرکز داشته و از بخش همکاری های فرهنگی بین المللی دستگاه سیاست خارجی پشتیبانی می شود. نکته جالب توجه اینکه، پارادوکس اعمال تحریم ها علیه روسیه مانع از آن نشد که آلمان برای جلوگیری از کاهش زبان آموزان روسی موسسه گوته، از طریق جشن گرفتن سال زبان و ادبیات آلمانی از عامل زبان در حفظ نفوذ و اعمال قدرت نرم خود بهره نگیرد. در حالی که کشورهای اروپایی طولانی ترین سنت را در ترویج فرهنگ خود در سراسر جهان از طریق آموزش زبان دارند، سایر بازیگران بین المللی در دهه های اخیر نیز وارد صحنه ترویج زبان به عنوان ابزار مهم، تاثیرگذار، کم هزینه و پرسود شده اند. علاوه بر کشورهای غربی همانند آمریکا، انگلیس، فرانسه آلمان، اسپانیا، ایتالیا... چندین کشور آسیایی از جمله چین، هند، ژاپن و کره جنوبی نیز به باشگاه ترویج یادگیری زبان به عنوان دیپلماسی فرهنگی پیوسته اند. یکی از نمونه های مهم چین است که زبان و فرهنگ چینی را از طریق مؤسسه کنفوسیوس خود ترویج می کند. چین که از معدود تمدن های باقیمانده در میان قدیمی ترین تمدن ها و فرهنگ های جهان بشمار می رود عمیقاً به معرفی و ترویج سنت ها و ارزش های خود توجه دارد. این کشور پس از سالها مبارزه برای دستیابی به ثروت و قدرت مدرنیته، به طور فزاینده ای از ایجاد همسویی نسبت به سنت های قدیمی چین در جهان بهره می برد. توسعه زبان چینی یک رویکرد استراتژیک برای ارتقای جایگاه بین المللی چین، و همچنین رفع سوء ظن نسبت به نقش و فعالیت های گسترده تر این کشور، بشمار می آید. بیان دیدگاه چینی از نظم جهانی با الهام از ارزش های کنفوسیوس و بهره گیری از گفتمان قدرت نرم، از دیگر اهداف عمده چینی ها در ترویج آموزش زبان چینی در نقاط مختلف جهان بشمار می آید. چینی ها از طریق موسسه کنفوسیوس سعی کرده اند فضاهای متعددی را ایجاد نمایند تا به موجب آن بتوانند بخشی از ارزش های سنتی چین فرهنگی را در ذهن مخاطبین خود متصور سازند. همانطور که این کشور سعی دارد خود را از یک دولت انقلابی به یک قدرت جهانی در حال ظهور معرفی نموده تا بتواند بخشی از این انتقال هویت، به تدریج ذهنیت خود را از قربانی قدرت های غربی به یک «قدرت بزرگ مسئول»، تغییر دهد. این امر برای آنها نه تنها از نظر استراتژیک جهت دفع تصویر منفی خارجی چین ضروری است، بلکه بخشی از وظیفه ملی در گسترش فرهنگ و ارزش های چینی بشمار می رود. با این حال، چین بدون اتخاذ شیوه سیاست غربی به طور فزاینده ای به سنت های خود برای الهام گرفتن شیوه شرقی از توسعه در مسیر خود به سمت مدرنیته وفادار مانده و به طور معناداری سعی کرده است از طریق گسترش زبان چینی با میراث فرهنگی خود و همچنین هنرهای جهانی در حال تکامل ارتباط برقرار نماید^{۲۳}.

در فاصله تنها چهار سال - یعنی بین ۲۱ نوامبر ۲۰۰۴، زمانی که اولین مؤسسه کنفوسیوس در سئول کره جنوبی افتتاح گردید تا اکتبر ۲۰۰۸؛ دویست و نود و دو مؤسسه کنفوسیوس و کلاس درس کنفوسیوس در ۷۸ کشور افتتاح شد. شبکه مؤسسات کنفوسیوس که به سرعت در سطح جهانی گسترش یافته است توسط دولت چین به عنوان یک ابزار سیاست خارجی ترویج شده است. برخی کشورهای مختلف آسیایی همانند ژاپن و هند که مؤسسه های کنفوسیوس را نوعی رقابت فرهنگی با خود می خوانند، با استفاده از اسامی افراد برجسته تاریخی خود همانند موراساکی شیکیبو،^{۲۴}

² <https://www.goethe.de/en/fin/index.html>

² *The Confucius Institutes*

² Zhu, H., & Li, W. (2014). *Geopolitics and the Changing Hierarchies of the Chinese Language: Implications for Policy and Practice of Chinese Language Teaching in Schools in Britain*. *The Modern Language Journal*, 98(1), 316–329. Ren, Z. (2012). *The Confucius Institutes and Chinese Soft Power* (No. IDE DISCUSSION PAPER No. 330). Japan.

² *The Confucius Institutes and Chinese Soft Power* (No. IDE DISCUSSION PAPER No. 330).

² *Murasaki Shikibu* https://cn.fmslp.org/wiki/Category:Murasaki_Shikibu

سجونگ کبیر^{۲۷} و گاندی^{۲۸} وی کانند ، موسساتی را راه اندازی نمودند تا زبان ها و فرهنگ خود را در جهان عمومی کنند. این سه کشور تلاش و هزینه‌های بسیاری را برای پروژه های ترویج زبان خود اختصاص داده اند. برای ارتقای زبان ژاپنی، دولت این کشور از نظرسنجی های انجام شده توسط بنیاد ژاپن برای نظارت بر رابطه بین یادگیری زبان ژاپنی، فرهنگ توده ای و فرهنگ عامه استفاده کرده است. هند نیز به نوبه خود قصد دارد قدرت نرم خود را از طریق شورای روابط فرهنگی^{۲۹} که مراکز فرهنگی جدیدی را در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین از جمله در ایران تاسیس نموده است با تمرکز بر آموزش زبان و فرهنگ هندی به ترویج و گسترش نفوذ خود بپردازد. کره جنوبی همچنین به طور فعال در گسترش مطالعه زبان کره ای در سراسر جهان تلاش داشته است. در دسامبر ۲۰۱۷، سونگ هیانگ کیون، رئیس بنیاد موسسه کینگ سجونگ^{۳۰} برنامه ای را مبنی بر افزایش ۲۰۰ شعبه موسسه سجونگ در سراسر جهان، به عنوان بخشی از سیاست دیپلماسی عمومی کره اعلام کرد. وی تلاش دولت کره را پاسخ به تقاضای فزاینده بین المللی برای مطالعه زبان کره ای برشمرد. ^{۳۱} کره به نوبه خود این استراتژی را به عنوان عنصری مهم در دستور کار دیپلماسی عمومی خود در نظر می گیرد. کره در حال حاضر، مجموعاً از طریق ۳۲ مرکز فرهنگی خود در سراسر جهان امر آموزش زبان کره ای را دنبال می نماید. آنها از طریق هشت مرکز فعال خود در منطقه آسیا و اقیانوسیه، نه مرکز در اروپا، هفت مرکز در قاره آمریکا و چهار مرکز در آفریقا و خاورمیانه و همچنین سه مرکز در ایالات متحده و مراکز در کانادا، آرژانتین، برزیل و مکزیک به آموزش زبان کره ای مشغولند. هرچند این ادعا وجود دارد که تحولات دیپلماسی عمومی و فرهنگی کشورهای آسیایی در پاسخ به اقدامات فرهنگی چین و با حمایت آمریکایی ها صورت می گیرد همان گونه که زمانی که دولت چین بخش دیپلماسی عمومی خود را در وزارت امور خارجه راه اندازی نمود این کشورها نیز اقدام به تاسیس و فعالسازی بخش دیپلماسی عمومی در وزارتخانه های خود نمودند. ^{۳۲} طی سال های اخیر بسیاری از کشورهای آسیایی به طور کلی در حال کار بر روی پروژه های ارتقای چهره فرهنگی خود در جهان از طریق ترویج زبان های ملی خود هستند. برای درک بهتر این رویکرد می بایستی به اهمیت دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی و نقش زبان به عنوان عنصر مهم و تاثیرگذار و سود ده در اعمال قدرت نرم این کشورها توجه نمود. شاید دلیل عمده دیگر توجه کشورها به عامل زبان به عنوان قدرت نرم، هزینه های مالی و سیاسی سایر کنش های فرهنگی کم بازده باشد. حال آنکه آموزش زبان علاوه بر قدرت شبکه سازی و تاثیرگذاری پایدار فرهنگی امروزه تبدیل به تجارتی سود ده گردیده است و از حساسیت

²⁷ <https://sejung.ir/> <https://sejung.ir/>

^{28 29} ^{۲۹} <https://www.mgirti.ac.mu/> <https://www.mkgandhi.org/gandhiji/26language.htm>

³⁰ Hill, D. T. (2016). Language as "soft power" in bilateral relations: the case of Indonesian language in Australia. *Asia Pacific Journal of Education*, 36(3), 364–378

² (Armour, 2015: 3) Armour, W. S. (2015). *The Geopolitics of Japanese Soft Power and the Japanese Language and Studies Classroom: Soft Power Pedagogy, Globalization, and the New Technologies*. In I. Nakane, E. Otsuji, & W. S. Armour (Eds.), *Language and Identities in a Transitional Japan: from Internationalization to Globalization*. New York: Routledge

³ ICCR's Centres Abroad. Retrieved from <http://www.iccr.gov.in/content/iccrs-centres-abroad-1>
۲۰۱۸ The Indian Council for Cultural Relations (ICCR) <https://www.iccr.gov.in/about-us>

³ KSIF

³ Huh, T.-W. (2012). *The Republic of Korea's Public Diplomacy as a Policy Tool of Softpower*. CPD, 3(2).
Jin, D. Y., & Yoon, K. (2016). *The social mediascape of transnational Korean pop culture: Hallyu 2.0 as spreadable media practice*. *new media & society*, 18(7), 1277–1292.

³ Kim, H. (2017). *Bridging the Theoretical Gap between Public Diplomacy and Cultural Diplomacy*. *The Korean Journal of International Studies*, 15(2), 293–326.

^{۳۴} ژاپن در ۲۰۰۴، مالزی در ۲۰۰۶ و هند در ۲۰۰۶ اقدام به راه اندازی مراکز مشابه نمودند. مجله آسیای شرقی معاصر، جلد ۱۷، شماره ۱.

ها و هزینه های سیاسی کمتری نیز برخوردار می باشد.^{۳۵} همانگونه که آموزش زبان اسپانیایی در دهه گذشته اهمیت فزاینده ای پیدا کرده است. پس از انگلیسی، اسپانیایی بیشترین علاقه مندی به فراگیری در میان ملل را داشته و زبان به اصطلاح جهانی بشمار می رود. اسپانیا هر چند بظاهر فاقد یک استراتژی دیپلماسی فرهنگی مشخص برای ترویج زبان اسپانیایی در سایر کشورهاست ولی همواره سعی داشته است تا از زبان به عنوان راهی برای گسترش قدرت نرم خود استفاده نماید.^{۳۶}

دیپلماسی زبان فارسی در تجربه تاریخی ایرانیان

در طول تاریخ گذشته بشری هیچ زبانی به اندازه زبان فارسی به دلیل ماهیت فرهنگی و اخلاقی آن قابلیت و ظرفیت تاثیرگذاری در دیگر فرهنگ ها و ملت ها را نداشته است. چرا که مخاطب زبان و ادب فارسی و پیام های جذاب آن فطرت های انسانی فارغ از مرزبندی های جغرافیایی، قومی و مذهبی بوده است. زبانی که بیش از هر زبان دیگری میل انسان ها به گفتگو، همسویی و تعامل اعتماد پایه را گسترش داده و روایتگر صادق و قابل بوده است در معرفی و تبیین فرهنگ، تاریخ، ارزش های دینی و اخلاقی ایران اسلامی. از اینرو زبان فارسی و منابع ادلّی آن بیش از هر حوزه دیگر در اصلاح نگرش ها و تصویرسازی های مثبت ملت ها از ایران و ایرانی سهم و نقش مهمی بر عهده داشته و آنرا به مهم ترین میراث مشترک ایرانیان با سایر جوامع تبدیل نموده است. امروزه نیز علیرغم فراز و فرودهای ناشی از تاثیر سیاست و رسانه در قضاوت جوامع نسبت به جامعه ایرانی، فهم و قضاوت بسیاری از ملت ها از ایران و فرهنگ اسلامی تحت تاثیر پیام ها و تصویرسازی های مثبتی قرار دارد که از مطالعه آثار شاعران و ادیبان برجسته و نامی ایران همانند فردوسی، حافظ، سعدی، مولانا، در ذهن و جان آنان نقش بسته است.

بخشی از تمدن بزرگ اسلامی ایرانی محصول نقش فعال و پویایی بود که زبان فارسی با ظرفیت سازی جهت توسعه و گسترش تفکر و سنت فلسفی و خلق منابع طراز اول ادبی و همچنین فراهم سازی جلب مشارکت دیگر جوامع برعهده گرفت. یکی از قابلیت های مهم و تاثیرگذار زبان فارسی در طول قرون گذشته سهم این زبان در افزایش قدرت مقاومت ایرانیان در برابر مهاجمان خارجی بود. این قابلیت بی نظیر زبان فارسی بگونه ای بوده است که نه تنها هویت و وحدت ایرانیان را در برابر مهاجمان حفظ نمود بلکه وحشی ترین مهاجمان تاریخ یعنی مغولان را نیز در سفره گشاده خود سیراب نموده و آنان را به عناصر تاثیرگذار در گسترش فرهنگ و ادب ایرانی اسلامی در سایر سرزمین ها تبدیل نمود. این سهم تمدن ساز زبان فارسی صرفا متعلق به ایران و شبه قاره و آسیای مرکزی نبوده است بلکه در آسیای جنوب شرقی در قرون شانزده و هفده میلادی که اوج بالندگی فرهنگی و تمدنی در حوزه مالایی است بخشی از این بالندگی فرهنگی تمدنی آن مدیون حضور و تاثیر زبان و ادب فارسی در این منطقه و تولید منابع و آثار شاعران متأثر از زبان فارسی همانند حمزه فنصوری، السوماترایی، الرانیری و همچنین بکارگیری تجربه ایرانیان در حکمرانی و تمدن سازی با استفاده از منابع فارسی بوده است. امروزه نیز اگر بحث از تمدن نوین اسلامی می شود قطعاً یکی از ظرفیت های مهم و تاثیرگذار در افق گشایی

³ . Kim, H. (2017). Bridging the⁵Theoretical Gap between Public Diplomacy and Cultural Diplomacy. *The Korean Journal of International Studies*, 15(2), 293–326. *The language of soft power: Mediating socio-political meanings in the Chinese media March 2011.*

³ *The use of the Spanish language as a cultural diplomacy strategy for extending Mexico's soft power in the United States Villanueva, C. (2015). The use of the Spanish language as a cultural diplomacy strategy for extending Mexico's soft power in the United States. Place Branding and Public Diplomacy, 11, 139–147.*

^{۳۷} مراجعه کنید؛ قبادی، حسینعلی، گرجی مصطفی، ۱۳۵۹، جهان تحلیل چشم انداز پیام های جهانی ادبیات فارسی، تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

^{۳۸} نجفی مجتبی نفوذ، تبلیغ و گسترش تمدن اسلامی در ملل مختلف از طریق فرهنگ زبان فارسی، مجله زبان و فرهنگ ملل، بهار و تابستان ۱۴۰۰، سال چهارم شماره ۱ ص ۱۳۷-۱۶۶.

جهت تحقق آن و رسیدن به این چشم انداز امیدبخش و افتخارآفرین، زبان و ادب فارسی است. قابلیت مهم دیگر زبان و ادب فارسی توانایی بی نظیر آن در ایجاد امید و پویایی در جامعه و کمک به عبور از بحران های بزرگ و حل آن است. همانگونه که پس از حمله اعراب و مغولان به ایران، این شعر و ادب فارسی بود که با تربیت شاعران بزرگی چون فردوسی، حافظ، سعدی، مولانا و بزرگانی دیگر، جامعه آسیب دیده از بحران تهاجم بیگانه را به آینده امیدوار کرد و با خلق شادمانی و امید نه تنها به بازسازی هویتی و وحدت آنان کمک کرد بلکه آنان را از بحران های بزرگ عبور داده و از دورن این بحران ها دوره طلایی و اوج شکوفایی فرهنگی، عرفانی و ادبی ایرانیان را خلق نمود. تجربه تاریخی مثبت دیگر ایرانیان در بهره گیری از ظرفیت زبان فارسی در بازتعریف، تبیین عالمانه و اخلاقی از دین مبین اسلام و کمک به ایرانیان در تبدیل شدن به جامعه اسلامی تمدن ساز بود. قطعاً بدون توجه به سهم زبان فارسی، تمدن شکوهمند اسلامی ایرانی شکل نمی گرفت و فرهنگ ایرانی قدرت و توان بازسازی جامعه مغلوب ایران در دوران پس سلطه اعراب را نداشت. شاهکارهای ادب فارسی که بر پایه معرفت انسان شناسانه و تجربیات عرفانی و آرمانشهر اخلاقی بنا شده است همواره در جستجوی کشف و معرفی حقایق هستی و سوق دادن انسان به زندگی متعالی از طریق ارائه زیباترین اثر هنرمندانه ادبی بوده است. شاعر ایرانی همواره سعی نموده تا فارغ از مرزبندی های ملی، قومی و دینی از زبان همه مخاطبان تاریخ انسان سخن بگوید و همه انسان ها را و فطرت های آنان را مخاطب خود قرار دهد و وجدان و فطرت های پاک و حقیقت جوی آدمیان را بسمت شکل دهی جامعه آرمانی اخلاقی سوق دهد. زبان فارسی که بر پایه ارزش های اخلاقی و مسائل بنیادین انسان شناسانه استوار شده است، به دلیل گفتمان های اخلاقی، انسانی و فرامرزی آن همواره موثرترین ظرفیت و سرمایه در ایجاد فضای گفتگو، تعامل و همدلی انسانی و اسلامی بشمار می رفته است. قدرت و قابلیت بی نظیر ادبیات فارسی بویژه شاهکارهای ادبی آن همانند آثار فردوسی، سعدی و مولانا که بر مبنای خرد و حکمت ایرانی اسلامی شکل گرفته است همواره منبعی الهام بخش و تاثیرگذار بر مخاطبین و موثرترین مزیت و جاذبه فرهنگی ایرانیان در طول تاریخ گذشته بشمار می رفته است. گفتمان مرکزی در ادبیات فارسی انسان، و چالش ها وغدغه های او بوده و سعی شده است همچون حکیمی توانا به مسائل و دغدغه های انسان پردازد و ضمن تلاش برای ارائه راه حل های این چالش ها، او را در مسیر تعالی بر اساس اصول انسانی، دانایی محوری، خردورزی، و ساخت جامعه ای اخلاقی رهنمون سازد. شاید مشاهده اشعاری از شاعران نامی بزرگ ایرانی همانند سعدی، خیام، مولانا و دیگر شاعران نامی و بزرگ ایرانی بر روی دیواره ها، سنگ قبرها و بناها در شهر های مختلف در هند، اندونزی، ترکیه، عراق، اروپا شگفت انگیز بنظر برسد. بررسی تاریخ سیاسی و فرهنگی این کشورها، مشخص می کند که زبان و فرهنگ فارسی ریشه های دیرینه و عمیقی در این مناطق داشته و از هر دو جنبه در فرهنگ والای ایرانی-اسلامی ادغام شده است. بر اساس منابع و کتیبه های بایگانی اولیه، به تفوق و برتری زبان فارسی به عنوان زبان فرمانروایان و دربار و سهمی که زبان فارسی در برقراری و تحکیم مراودات و مناسبات این ملت ها با ایرانیان بر عهده داشته است پی می بریم. آثار و کتاب های ارزشمندی در خصوص کتاب نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو دیگر سرزمین های خارج از حوزه زبان فارسی و قلمرو جغرافیایی ایران نوشته شده که هر یک به نقل سرگذشت مرزهای کاربرد زبان فارسی را در جغرافیای وسیعی از چین، آسیای مرکزی و هند تا جهان عثمانی بررسی می کند. نفوذ زبان فارسی در طول قرون گذشته بسیار فراتر از مناطقی بود که به طور بومی در آن صحبت می شد. از قرن یازدهم به بعد، زبان فارسی زبان جوامع مختلف قومی در شبه قاره، آسیای مرکزی، ماوراء النهر و در قرن های بعدی از خزر غربی تا بغداد و استانبول و بالکان و برخی نواحی دیگر بشمار می آمد. زبانی که نه تنها به عنوان زبان مکالمه بلکه زبان دیوانی، زبان ارتباطات و دیپلماسی و زبان شعر و ادب و هنر مطرح بود.^{۴۰}

زبان فارسی در مناسبات ایرانیان با دیگر جوامع همواره بخشی اجتناب ناپذیر از دیپلماسی فرهنگی و روابط فرهنگی ایرانیان بشمار می آمده است. این تاثیرگذاری بگونه ای بوده است که در آسیای مرکزی،

^{۳۹} مصطفوی سبزواری، رضا، سهم زبان فارسی و فارسی زبانان در تمدن جهانی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، بهار ۱۳۷۶، شماره ۱. صفا، ذبیح الله، فرهنگ ایرانی و اثر جهانی آن، مجله مدرسه عالی ادبیات و زبان های خارجی، ۱۳۵۰. میراث ایران، تالیف سیزده تن از خاورشناسان، ترجمه هیات مترجمان، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۶. ۰

^{۴۰} جعفری دهقی، محمود، زبان های ایرانی ابزار تعامل فرهنگی، مجله مطالعات ایرانی، بهار ۱۳۸۳، شماره ۵ ص ۱۷-۲۸. نجفی، مجتبی، نفوذ تبلیغ و گسترش تمدن اسلامی در ملل مختلف از طریق فرهنگ زبان فارسی، مجله زبان و فرهنگ ملل، بهار و تابستان ۱۴۰۰، سال چهارم شماره ۱-۱۳۷-۱۶۶

آسیای غربی و آناتولی فارسی به واسطه حاکمان این سرزمین ها که اصلتی ترک-مغولی داشتند، به زبان دربار تبدیل شد. سلسله‌های ترک-مغول که پس از قرن دهم متوالی بر ایران تسلط یافتند، علاوه بر تاثیر پذیری از سلاطین ایرانی در شیوه‌های حکومتی، فارسی را نیز به عنوان زبان رسمی دربار قرار دادند. همانگونه که فارسی زبان دربار و دیپلماتیک فاتحان در زمان غزنویان شد که رنسانس ایرانی را که سامانیان در شرق ایران آغاز کردند در زمان سلجوقیان و سپس در دوره فاتحان مغول ادامه دادند. مؤرخان اتفاق نظر دارند که سیاست های حاکمان ایرانی برای گسترش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی-اسلامی راه را برای توسعه و گسترش حضور و نفوذ آنان در این سرزمین ها هموار کرد. می توان گفت ایرانی شدن آناتولی از نظر شیوه های حکومت داری دولتی، بوروکراسی، فرهنگ و سنن بعد از نیمه دوم قرن سیزدهم نیز متأثر از نفوذ زبان و ادبیات فارسی در این منطقه بود. در این دوره با تلاش شخصی چند وزیر ایلخانی، نخبگان حکومتی از شهرهای ایران از جمله ارومیه، خراسان، همدان، اصفهان، اراک، شیراز، مرند، تبریز، قزوین و خوی به آناتولی تحت حکومت ایلخانیان آمدند. بجزای به تصویر کشیدن محیطی که در آن تاثیر زبان فارسی و فرهنگ ایرانی-اسلامی را طی قرون متمادی شاهد بودیم می بایستی به مفهوم جهان پارسی توجه نمود. جهانی که از بالکان تا آسیای مرکزی و از شبه قاره هند تا قفقاز، و بخشی از جنوب شرقی آسیا همانند جزیره سوماترا در اندونزی، آیوتایا در تایلند و برخی نواحی برمه که بشدت تحت تاثیر زبان و فرهنگ فارسی و ایرانی بود امتداد داشت. کثر برخی از این نواحی بویژه از قرن سیزدهم به بعد، زبان فارسی در آن به شدت در فرهنگ، معماری، ادبیات و نظام حکمرانی تاثیرگذار بود. نفوذ فرهنگ و زبان فارسی در این مناطق را می توان با عواملی مانند وفاداری به امپراتوری های متمرکز در ایران و ادغام و نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی ناشی از آن و همچنین حضور نخبگان شاعران و عارفان برجسته ایرانی مرتبط دانست. زبان فارسی در این مناطق نه تنها زبان دربار بود، بلکه زبان صوفیان، شعرا، بازرگانان و علمای آن نیز محسوب می گردید. طبقات و نخبگان در این جوامع با پذیرش زبان فارسی، کوشیدند دنیای اجتماعی خود را بر اساس نگاه آرمانگرایانه شاعران بزرگ ایرانی توصیف کنند و خود را شبیه ایرانیان که نسلی فرهنگ ساز و فرهیخته بشمار می آمدند درآورند. هرچند ارتباط میان ایران با دیگر اجزاء جهان پارسی یا جهان ایرانی بسیار فراتر از تاثیر و استفاده از زبان فارسی بود بلکه زبان فارسی به نمادی از فرهنگ فاخر و تمدنی کهن و برجسته تبدیل شده بود که قابلیت تحولات اجتماعی و سیاسی بسیاری داشت و بخشی از مشروعیت حکومت ها بشمار می آمد.^{۴۴}

زبان فارسی و فرهنگ ایرانی-اسلامی قرن‌ها عمدتاً از دو مجرا یعنی مهاجرت شاعران و عارفان و دیگری حضور و نفوذ آنان در دربار و حکومت های محلی گسترش یافت. توسعه و گسترش زبان فارسی به عنوان زبان دربار و زبان رسمی حکمرانان بخشی تحت تاثیر روابط دیپلماتیک ایران با جهان اطراف آن بود که زبان فارسی را به زبان دیپلماتیک و واسط تبدیل نموده بود. این به نوبه خود به این معنی بود که حاکمان و درباریان، مانند کاتبان، به این زبان صحبت می کردند. ثانیاً، فعالیت‌های متقابل صوفیانه بین قلمرو ایران و این مناطق وسیله‌ای بود که پیوندهای فرهنگی را زنده نگه می‌داشت. در حالی که تاثیرپذیری از نظام حکمرانی ایرانیان بخشی از پیوستگی میان جهان ایرانی بشمار می آمد. دومین عاملی که نفوذ پارسی را در این سرزمین ها تسهیل می کرد، پویایی فرهنگی ایجاد شده از طریق رفت و آمد دو سویه صوفیان و شاعران در این سرزمین ها بود. فراگیر شدن گرایشات عرفانی و برخی فرق صوفیه بویژه جریان های صوفیه ایی که خاستگاه آن در خراسان بود راه را برای گسترش زبان و فرهنگ فارسی در این مناطق هموار کرد. زبان فارسی زبان تعامل و گفت و گو میان عارفان و ادیبان جهان ایرانی بشمار می رفت. همانگونه که رواج زبان فارسی در این مناطق مهمترین عامل جذب صوفیان ایرانی، و حضور عرفای صاحب نام ایرانی و آثارشان در این مناطق بود. سفر سعدی، صائب تبریزی، طالب آملی و دهها شاعر برجسته ایرانی به هند موجب شد تا این مناطق از نظر فرهنگی به اندازه کافی با ایران درهم آمیخته

^{۴۱} مصطفوی سبزواری، رضا، سهم زبان فارسی در تدوین تاریخ و فرهنگ و تمدن هند، نامه پارسی، بهار و تابستان ۱۳۸۷، شماره ۴۶ و ۴۷، ص ۶۰-۷۴. فلاح، مرتضی، جایگاه فرهنگ و زبان فارسی در شبه قاره، مجله مطالعات شبه قاره، بهار ۱۳۸۹ شماره ۲، ۶۷-۹۸.

^{۴۲} رحمتی، محسن، خواجه نظام الملک و گسترش زبان فارسی در آناتولی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال هجدهم، شماره سی و پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۱۰۲-۱۲۳.

^{۴۳} خوش هیکل آزاد، محمد، پیوندهای تاریخی فرهنگی ایران و جنوب شرقی آسیا، واژه های فارسی دخیل در زبان ملایو، فصلنامه مطالعات روابط فرهنگی بین المللی، بهار ۱۳۹۷، سال چهارم شماره ۶ ص ۹۶-۱۲۳.

^{۴۴} امیر احمدیان، بهرام، ۱۳۹۱، ظرفیت های زبان فارسی در همگرایی منطقه ای در جهان ایرانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

گردد و به تبلیغات صوفیانه واکنش سریع و مثبت نشان دهند. زبان فارسی در جغرافیای وسیعی از شبه قاره هند تا آسیای مرکزی، از قفقاز تا استانبول و بغداد در سراسر قرون وسطی، زبان ادبی نیز بشمار می رفته است. شکی نیست که فارسی زبانی بود که نخبان و دانشمندان، طبقات حاکم و اعضای دربار به آن می خواندند و می نوشتند و کسانی را که به این زبان کتاب می نوشتند تشویق می کردند تا خوانندگان بیشتری پیدا کنند. دقیقاً به همین دلیل است که علما و صوفیان این مناطق آثار خود را به فارسی نوشته اند. فارسی زبان سنت فلسفی، تاریخ نگاری، ملفوظات، ادبیات و عرفان بود. از اینرو کاملاً قابل درک است که بخش مهمی از آثار معتبر علمی بویژه در فلسفه، شعر و ادب، عرفان، تاریخ نگاری به زبان فارسی نگاشته شود و حجم عظیمی از میراث مشترک میان ایرانیان با سایر جوامع بویژه شبه قاره را بخود اختصاص دهد.^{۴۶} زبان فارسی طی قرون متمادی زبان علمی، فرهنگی و دیپلماتیک رایج در دنیا نیز محسوب می گشت. نخبان توانستند با بهره گیری از ظرفیت زبان فارسی فرصت های جدیدی را هم حوزه تمدنی ایران و هم خارج آن فراهم نمایند. از اینرو یادگیری زبان فارسی برای بسیاری از کارگزاران و عالمان یک ضرورت بود، نه کاری که از روی کنجکاوی شخصی انجام می شد. بر اساس این شواهد، اغراق نیست اگر بگوییم مردمان مناطق بسیاری از حوزه جغرافیایی جهان اسلام با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی-اسلامی بسیار بیشتر از زبان و فرهنگ عربی و سایر زبان ها آشنا بودند. بگونه ای که زبان فارسی زبان قلمرو وسیع جغرافیایی از شبه قاره هند تا ماوراءالنهر، از شیروان تا استانبول تا بالکان محسوب می شده و امتیازی باورنکردنی رای مردم باسواد و نخبان و نشانه فرهیختگی بشمار می رفت. نکته حایز اهمیت دیگر اینکه در برخی مناطق زبان و ادبیات فارسی وجه غالب و تعیین کننده از مناسبات ایرانیان با مردمان آن منطقه بشمار می آمد. روح حاکم بر مناسبات و ارتباطات میان ملت ها یا سیاسی است یا اقتصادی یا حتی بعضاً منازعه و جنگ و بعضاً نیز فرهنگی می باشد. در این میان مناسبات میان ایران با برخی کشورها از جمله هند از دیرباز از ویژگی خاصی برخوردار بوده و آن غلبه وجه فرهنگی ادبی در مناسبات و روابط این دو ملت کهن و بزرگ آسیایی است. چرا که شعرا و ادیبان و عارفان سهم و نقش اساسی و مهمی در پی ریزی و قوام این مناسبات بین دو کشور بر عهده داشته اند بگونه ای که در قرون گذشته مناسبات سیاسی و اقتصادی و حتی نظام های سیاسی دو کشور نیز تحت تاثیر این وجه از مناسبات و متاثر از نقش و سهم تعیین کننده شاعران و ادیبان و عارفان در مسیر همکاری ها و مناسبات دوجانبه بوده است. از این رو همواره در تاریخ مناسبات دو کشور، صعود و افول ارتباطات سیاسی و اقتصادی هند و ایران تابعی از میزان سهم و نقشی بوده است که عارفان و ادیبان و شاعران فارسی زبان در میان حاکمیت و تصمیم سازان برعهده داشته اند. این برجسته گی غالب توانست هم هندیان را در جهانی سازی فرهنگ و ادب ایرانی اسلامی و زبان فارسی تشویق نماید و هم با انتقال دانش و تجربه تمدنی و فرهنگی ایرانیان به هندیان، به آنان در ساخت تمدن اسلامی هندی یاری رساند. دیگر اینکه نقطه اوج و طلایی از شکوفایی و توسعه روابط ایرانیان با بسیاری از جوامع بویژه مردمان شبه قاره به دوره بالندگی زبان و ادبیات فارسی در این سرزمین بازمی گردد که توانست حجم عظیمی از میراث ادبی فرهنگی و تمدنی دو کشور را بیادگار بگذارد.

۴۸

سهم زبان فارسی در تصویرسازی و ایجاد فضای گفت و گو و اعتماد در تعاملات فرهنگی بین المللی

رویکردهای فراقومی، فراجغرافیایی انسانی و عشق محور عرفان و ادب فارسی، زبان فارسی را همواره از قدرت و قابلیت بالایی جهت ایجاد حسس ذهنی و روانی مثبت و اطمینان بخش جهت عبور از تهدیدها و صورت های ذهنی منفی برای ایجاد و توسعه تعامل و ارتباط فرهنگی میان ایران و سایر ملل برخوردار نموده است. در تجربه تاریخی ارتباطات فرهنگی ایرانیان با سایر ملل، عرفان و ادب فارسی توانسته بود به عنوان وجه غالب و تاثیرگذار در مناسبات ایرانیان با سایر ملل، نظام ارتباطات انسانی و اعتماد پایه را شکل دهد. مناسباتی که بر اساس تصویرسازی های پایدار زبان فارسی احساس امنیت از همزیستی و همکاری و میل به ثبات و استمرار آن از طریق عادی کردن تعاملات اجتماعی، اقتصادی و بویژه فرهنگی

^{۴۵} فقیهی، حسین، زبان فارسی در شبه قاره، نامه پارسی شماره ۲ سال ۱۳۸۰، ص ۱۶۴-۱۷۱.

^{۴۶} نصر سید حسین ۱۳۸۳ سنت عقلانی اسلامی در ایران ترجمه سعید دهقانی قصیده سرا تهران چاپ دوم ص ۱۰۹-۱۲۱.

^{۴۷} نجفی مجتبی نفوذ، تبلیغ و گسترش تمدن اسلامی در ملل مختلف از طریق فرهنگ زبان فارسی، مجله زبان و فرهنگ ملل، بهار و تابستان ۱۴۰۰، سال چهارم شماره ۱ ص ۱۳۷-۱۶۶.

^{۴۸} ریاض الاسلام ۱۳۷۳ تاریخ روابط ایران و هند ترجمه آرام محمد باقر تهران انتشارات امیرکبیر. فلاح مرتضی جایگاه فرهنگ و زبان فارسی در شبه قاره فصلنامه مطالعات شبه قاره بهار ۱۳۸۹ شماره ۲ ص ۶۷-۹۸.

را شکل داده بود. از این رو امروزه نیز سهم عامل زبان و ادب فارسی در اعتمادسازی و مفاهمه بویژه با حوزه فرهنگی تمدنی ایران اسلامی حائز اهمیت است. چرا که ساخت فرهنگ و ادب، ساخت خیال، زیبایی، جستجوی امر مطلق و حقیقت است. شعر و ادب بخش ماندگار و مکمل روابط فرهنگی بین ملت ها بشمار می رود و امکان تعامل بر اساس زبان گفت و شنود، مفاهمه و منافع دوجانبه را فراهم می سازد و از رهگذر آن حسن تفاهم و تشریک افکار و تعدیل اختلافات بیش از حوزه های سیاسی و اقتصادی فراهم می شود. آنچه که امروزه نیز پس از قرن ها تعامل و دادوستد سیاسی و بازرگانی میان ایران و دیگر جوامع بیش از هر چیز دیگر برجای مانده است سنت های مشترک فرهنگی ادبی و میراث عظیم و گرانسنگی است که در قالب آثار شاعران و عارفان در قالب کتاب و شعر پیادگار مانده است. این تجربه به مایادآور می شود که زبان و ادب فارسی به عنوان یک مقوله درونی بخوبی می تواند با نظام ارزشی در وجود آدمی ارتباط تنگاتنگ برقرار نماید و ارزش ها؛ که درونی ترین و مبنایی ترین عنصر فرهنگ را تشکیل می دهند و همه رفتارها و حالات فرد و جامعه از آن ها ریشه می گیرد را تحت تاثیر ویژگی ها و جاذبه های زبان فارسی و شاهکارهای بی بدیل شاعران و ادیبان ایران زمین بسمت نظام ارزشی فرهنگ ایرانی اسلامی هدایت نماید.

در طول تاریخ گذشته از مراودات و ارتباطات فرهنگی ایرانیان با سایر ملل، زبان فارسی به دلیل قدرت و استحکام منطق تاثیرگذارش در مخاطب سهم مهمی در ایجاد تصویر مثبت از فرهنگ و ارزش های ملی و دینی ایرانیان برعهده داشته است. امروزه بخشی از تصویر مثبت و فهم منطقی بسیاری از ملت ها از ایران و اسلام نیز برگرفته از قدرت تبیین، اغناگری و تصویرساز آثار ادبی شاعران بزرگ فارسی زبان و ایرانی است. مضاف بر آنکه زبان فارسی مهم ترین و اصلی ترین راه برای مطالعه و آشنایی با تاریخ، فرهنگ، مذهب، اندیشه و تحولات فرهنگی اجتماعی حوزه فرهنگی تمدنی ایرانی و سایر ملت هاست. از اینرو ترویج زبان فارسی کمک به مطالعه و فهم بی واسطه این منابع و شناخت و درک واقع بینانه و دقیق تر از ایران اسلامی و سیرتحولات جاری در آن بشمار می رود. زبان فارسی صرفا زبان مکالمه و آموزش و یا زبان علمی بشمار نمی روند بلکه آئینه تمام نما و ماهیتی چندوجهی از تاریخ، فرهنگ و ارزش های دینی و اخلاقی و اجتماعی ایرانیان بشمار می رود. این ماهیت چند وجهی زبان فارسی موجب گشته است تا این زبان در طول تاریخ گذشته و حیات و بالندگی خود در عرصه های مختلف دینی، تاریخی، فرهنگی، تمدنی و بویژه ادبی سهم و نقش موثری برعهده گیرد. لذا وقتی امروزه از زبان فارسی سخن می گوئیم می بایستی به پیوستگی های زبان فارسی و اسلام و تشیع، فارسی و سنت های عقلی و فلسفی، فارسی و مطالعات تاریخی و اجتماعی، زبان فارسی و عرفان و تصوف، زبان فارسی و هنر، زبان فارسی و روابط فرهنگی و دیگر حوزه ها نیز توجه کنیم. توجه به این ماهیت و قابلیت های چند وجهی زبان فارسی می تواند در فهم درست بهره گیری از این زبان که ماهیت قالب آن فرهنگی است بویژه در عرصه های بین المللی و دیپلماسی فرهنگی کمک نماید. مضاف بر اینکه هیچ زبانی همانند زبان فارسی تداوم تاریخی نداشته و در گذر زمان و تحولات تاریخی پایدار و استوارنمانده است. این تداوم و استواری و پویایی زبان فارسی امروزه موجب گشته است تا فهم آثار فردوسی، سعدی و دیگر شاعران بزرگ و نامی ایران زمین علیرغم گذشت قرن ها زبان روز و برای مخاطب فارسی زبان امروز نیز آسان و قابل درک باشد. این تداوم تاریخی صرفا در خود زبان نیست بلکه در مضامین و گفتمان ها و پیام های بکارگرفته شده در ادبیات فارسی نیز مشاهده می شود چرا که شاعران بزرگ فارسی با زبانی برای همه نسل ها و فصل ها سخن گفتند و همواره تازه و برای همه نسل ها و انسان ها فارغ از زمان و مکان قابل فهم و درک است. همانگونه که در گذشته تاریخی زبان فارسی توانست ایرانیان را از گسست فرهنگی تمدنی نجات بخشد و هویتشان را حفظ نماید قطعا امروزه نیز یکی از حلقه های مستحکم نسل ها و اقوام و گروه های اجتماعی چه در میان ایرانیان بویژه ایرانیان خارج از کشور و چه فارسی زبانان حوزه تمدنی ایران، زبان فارسی است. قطعا اگر نسل جوان بویژه ایرانیان مهاجر با حافظ و سعدی و دیگر بزرگان زبان فارسی بیشتر در ارتباط باشند دچار گسست و تزلزل هویتی نشده و از انگیزه و توانایی بالاتری جهت حفظ هویت و پیوندهای خود با ریشه های ملی مذهبی جامعه خود برخوردار خواهند شد. طبیعتا اگر امروزه بخواهیم تصویری زیبا و گویا از انسان ایرانی و فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی به جهانیان ارائه دهیم گویاترین و موثرترین منشور معرفی ایران و ایرانی آثار شاعران و شاهکارهای بزرگ ادب فارسی همانند مولانا، سعدی، حافظ و فردوسی است. شاهنامه که خردنامه ایرانیان بشمار می رود بخوبی توانسته است با پیوند دادن بین هویت اسلامی و ایرانی تصویری از یک انسان خردمند مسلمان ایرانی ارائه دهد. انسانی که امروزه نیز نیازی به الگوهای غربی نداشته و با ارزش های خودی همچون گذشته می تواند جلودار فرهنگ و دانش و تمدن بشری باشد.

نکته حایز اهمیت دیگر در خصوص کارکردهای زبان فارسی برای جهان امروز قابلیت های نهفته در آن در ایجاد فضای گفت و گوست . زبان یک نهاد اجتماعی جمع گراست و کاربست اصلی و مهم آن شکل دهی فضای گفتگو جهت ارتباط و تعامل و رفع نیازهاست . این ویژگی یعنی میل به گفتگو با دیگری و قدرت متقاعد کنندگی و اعتمادسازی در زبان فارسی بیش از هر زبان دیگری قابل مشاهده است . مضاف بر آن زبان و ادب فارسی به دلیل قدرت جذب و افناع بالای موجود در آن و انعطاف پذیری و سازگاری های محیطی آن همواره بستر مناسبی برای فراهم آمدن گفت گویهای انسانی بشمار می رفته است . این زبان همواره کوشیده است تا مرزهای مشترک را تقویت و دیوارهای تمایزات مذهبی ، قومی و جغرافیایی را کم رنگ و کوتاه نماید تا انسان ها را با ارایه درک و فهم عرفانی از هستی که وجه مشترک بسیاری در ادیان و فرهنگ هاست ، در دستیابی به فهمی همسو و مشترک از سرنوشت و غایت مشترک خود و پدیده ها و مسایلی که با آن مواجه است کمک نماید . به دلیل همین ویژگی برجسته است که زبان فارسی را در نزد بسیاری از ملل ، فرهنگ ها و ادیان محبوب نموده و نقش واسطه گری حایزاهمیتی در دادوستد و تعاملات فرهنگی و دینی و انتقال تجربه ها میان ایرانیان با سایر ملل برعهده گرفته است . لذا در دوره های تاریخی گذشته همانند قرون میانی ما شاهدیم که زبان فارسی بویژه در شبه قاره و در عصر دارالشکوه ، زبان گفت گویهای فرهنگی و دینی ایرانیان مسلمان با هندوها ، سیک ها و پیروان سایر ادیان بوده است و از طریق ترجمه و برگردان منابع فرهنگی و دینی این ادیان به فارسی توانست حوزه های مشترکی را بین فهم عرفانی و اخلاقی از دین بین پیروان این ادیان ترسیم و مسیر همبستگی انسانی بین مسلمانان با سایر ادیان و همچنین ایران و هند را تسهیل نماید . امروزه نیز زبان فارسی می تواند زبان مشترک برای گفت گویهای فرهنگی و دینی بویژه ملل فارسی زبان در منطقه بشمار آمده همانگونه که ترجمه و نشر پیام های جهانی آن و شاعران نامی مشترک و تاثیرگذار فارسی و ایرانی در عرصه های بین المللی نیز می تواند فصل مشترکی برای گفتگو، هم فهمی و همسویی فرهنگی و دینی با سایر ملل تبدیل گردد. چرا که بهره گیری از زبان و منطق شاعران و ادیبان برجسته فارسی از قابلیت تاثیرگذاری بالای در ایجاد هم فهمی مشترک مبتنی بر مشترکات دینی و ایجاد فضای گفتگو و همسویی میان ادیان برخوردار می باشد. زبان فارسی در طول قرون گذشته شاهراهی هموار ، دوطرفه و اعتمادساز که برپایه تعاملات دوسویه اعتمادپایه شکل گرفته بود را میان ملت ایران با سایر ملل بویژه در شبه قاره و آسیای مرکزی شکل داده است. یقینا حرکت بر روی این بزرگراه هموار بیش از هر مسیر دیگری می تواند آرزوی نیل به همگرایی منطقه ای را محقق گرداند. نکته مهم دیگر از قابلیت های زبان فارسی در دیپلماسی فرهنگی پذیرش و درک دیگری ، پذیرفتن تنوع ها و تفاوت ها ، بازشناخت و درک حقیقت ، تلاش برای آگاهی عمیق و وسیع در باره دیگر فرهنگ ها و سنن گوناگون است . و اینکه در مورد فرهنگ و سنن دیگران می بایستی دارای بینشی گسترده و عاری از تعصب بود و از مسیر تفاوت ها به دنبال حقیقتی گشت که زبان مشترک و فرصت رشد و تعالی و تعامل و همدلی را ممکن سازد . زبان فارسی این قابلیت را نشان داده که می توان ایرانی بود ولی درسرزمین های دور برای مردم آن شعر سرود و یا غیرایرانی و غیرفارسی زبان بود و به زبان فارسی سرود و مخاطب ایرانی را مورد خطاب محبت آمیز خود قرار داد. از این رو زبان فارسی همواره این توانایی را داشته است تا مسیر ارتباطات فرهنگی ایرانیان با سایر ملل را تبدیل به بزرگراه و جاده ای دوطرفه و چند طرفه و مبتنی بر گفت و شنود نماید . شاعران و عارفان ایرانی که عناصر مهم دیپلماسی فرهنگی بشمار می آمدند در طی قرن ها تجربه تاریخی خود آموخته بودند که رشد و بالندگی فرهنگی و تمدنی با ایستایی و خمودگی در درون مرزها منافات داشته و تمدن ها و فرهنگ ها محصول مساعی مشترک انسان هاست و هیچ فرهنگ و تمدنی بدون بهره گیری از تجربه ها و دانش فرامرزی دیگر جوامع و قوام و بدون داشتن ارتباطات با دیگران به رشد و بالندگی دست نخواهد یافت. از اینرو بخشی از رشد و بالندگی زبان و ادب و فرهنگ فارسی و تولید منابع ارزشمندی از شعر و ادب محصول این تعامل دوسویه بوده است . از این رو شعر و ادب فارسی به گفتگو به عنوان یک مزیت ویژه انسانی توجه جدی دارد و گفتن و شنیدن را مجرای اصلی انتقال بسیاری از دانش ها و سهیم کردن دیگران در توسعه و پیشرفت می داند و این دادوستد فارغ از ملاحظات جغرافیایی ، قومی و مذهبی مورد توجه بوده است و تعصب و واکنش های افراطی و تکساختی کمتر در آن نقش داشته است .

^{۴۹} قبادی ، حسینعلی گرجی مصطفی ، ۱۳۵۹ ، جان جهان تحلیل چشم انداز پیام های جهانی ادبیات فارسی ، تهران ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی . . فلاح مرتضی جایگاه فرهنگ و زبان فارسی در شبه قاره . فصلنامه مطالعات شبه قاره بهار ۱۳۸۹ شماره ۲ ص ۶۷-۹۸

-ادب فارسی و قابلیت جهانی سازی گفتمان ها و ارزش های دینی فرهنگی ایرانیان

امروزه یکی از اهداف مهم و عمده از دیپلماسی فرهنگی و عمومی تبیین و ترویج ارزش ها جهت تصویرسازی مثبت در افکار عمومی جامعه مخاطب برای ایجاد همسویی و افزایش میزان و دامنه تاثیرگذاری فرهنگی بشمار می رود. از این رو یکی از وظایف مهم دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ا. معرفی، تبیین و ترویج اسلام و ارزش های دینی و معنوی انقلاب اسلامی و مکتب اهل بیت ع در جهان بشمار می رود. از آنجا که شکل دهی جامعه اخلاقی عدالتخواه و توحیدی، گفتمان اصلی ادیان الهی بویژه اسلام برگرفته از معارف اهل بیت ع بشمار می رود، زبان و ادب فارسی زیباترین و تاثیرگذارترین منبع جهت فهم و درک درست این پیام بشمار می آید. به دلیل همین ویژگی برجسته است که بزرگانی چون شهید مطهری و مقام معظم رهبری همواره بر اهمیت زبان فارسی و آثار برخی از شاعران بزرگ ایرانی در فهم درست و عمیق از پیام اسلام و قرآن تاکید داشته و آنرا اصل اصل اسلام می دانسته اند. یقیناً امروزه نیز هیچ زبانی نمی تواند همانند زبان و ادب فارسی و ترجمه آن، مخاطب بویژه مخاطب خارجی را با ارزش ها و پیام های نورانی اسلام، قرآن و ادیان الهی و همچنین گفتمان ها و ارزش های انقلاب اسلامی آشنا سازد. از آنجا که زبان بازتابی از اندیشه ها، باورها و ارزش های یک ملت بشمار می آید و از قدرت و قابلیت تبیینی بالایی برخوردار می باشد لذا طبیعی است که یکی از سازوکارهای موثر در معرفی ارزش ها و پیام های انقلاب اسلامی نیز استفاده از زبان شعر و ادب فارسی و توسعه زبان فارسی در عرصه های بین المللی بشمار آید.

نکته جالب توجه اینکه، امروزه شناخت و تصویرهای ذهنی مثبت بسیاری از ملل جهان بویژه در اروپا از ایران برخاسته از شاهکارهای ادبیات فارسی و متون ترجمه شده از آثار شاعران بزرگ ایرانی بویژه مولانا، خیام، حافظ و سعدی می باشد. شاید هیچ مزیت و ویژگی فرهنگی تاریخی ایرانیان همانند آثار این شاعران بزرگ و شاهکارهای ادبی آنان، ارزش های فرهنگی ایرانی اسلامی را جهانی نکرده است و کمتر ملتی را می توان یافت که با نام و آثار این بزرگان فرهنگ و ادب ایرانی آشنا نباشند. این فرصت و ظرفیت مهم و تاثیرگذار می تواند پستریهای مناسبی جهت بهره گیری در برقراری و توسعه ارتباطات فرهنگی تاثیرگذار با ملت ها فراهم آورد و در معرفی و ترویج ارزش های فرهنگی و اخلاقی و گفتمان های دینی از آن بهره جست و با ارائه و بهره گیری از مجموعه فعالیت های رسانه ای و فرهنگی در معرفی هر چه بیشتر این آثار ادبی کمر همت بست، و بر توسعه و گسترش دامنه تاثیرگذاری و تصویرسازی های مثبت از ایران افزود. نقش شاهکارهای ادب فارسی بویژه شاهنامه فردوسی در تکوین هویت و نحوه نگرش بین المللی انسان ایرانی و همچنین روانشناسی جمعی انسان ایرانی حائز اهمیت است. شاهنامه نشان میدهد که انسان ایرانی در طول تاریخ در مناسبات خویش با دیگران و با خود چگونه اندیشیده است و چگونه عمل کرده است. اهماگونه که پیوستگی تنگاتنگ شاهنامه با عقلانیت و حکمت و خردورزی آنرا به خردنامه ایرانیان تبدیل کرده و تصویری زیبا از عقلانیت، اعتدال و خردورزی ایران را برای جهانیان بنمایش گذاشته است. مثنوی مولانا، را نیز بدون تردید می بایستی یکی از شاهکارهای ادبی بی مانند و جهانی برشمرد که در میان ملت های مختلف از شهرت و مقبولیتی ویژه برخوردار بوده و بخش مهمی از تداوم تاریخی و جغرافیایی فرهنگ و ادب فارسی در جهان محسوب می گردد. امروزه نیز آثار شاعران بزرگی چون خیام، فردوسی، سعدی، حافظ و مولانا قلب مردم بسیاری را به خود جذب

مقام معظم رهبری در دیدار شاعران با معظمله در شهریور سال ۸۷ با اشاره به کتاب سترگ «مثنوی معنوی» می فرماید: «یک بخش مهمی از شعر آئینی ما می تواند متوجه مسائل عرفانی و معنوی بشود و این هم یک دریای عظیمی است. مثنوی اصول اصول دین است. شعر مولوی را شما ببینید. اگر فرض کنید کسی به دیوان شمس به خاطر زبان مخصوص و حالت مخصوصش دسترسی نداشته باشد که خیلی از ماها دسترسی نداریم و اگر آن را کسی یک قدری دور دست بداند؛ مثنوی؛ مثنوی؛ که خودش می گوید: و هو اصول اصول الدین. واقعاً اعتقاد من هم همین است. یک وقتی مرحوم آقای مطهری از من پرسیدند نظر شما راجع به مثنوی چیست، همین را گفتم. گفتم به نظر من مثنوی همین است که خودش گفته: و هو اصول ... ایشان گفت کاملاً درست است، من هم عقیده ام همین است. البته در مورد حافظ یک مقدار با هم اختلاف عقیده داشتیم.» به نقل از سایت <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4083>

^{۱۰} داوری اردکانی، رضا، آموزش زبان فارسی فرصتی مغتنم برای گسترش فرهنگ ایرانی، مجله مطالعات ایرانی، بهار ۱۳۹۲ شماره ۵۳ ص ۱۴۳-۱۶۰. جعفری دهقی محمود زبان ایرانی ابزار تعامل فرهنگی مجله مطالعات ایرانی بهار ۱۳۸۳ شماره ۵ ۱۷-۲۸

نموده واز مرتبتی ویژه در نزد آنان برخوردار نماید. دلیل توجه و اقبال مردم جهان به مولانا را ناشی از چند ویژگی در افکار و آثار مولانا دانست. مولانا که زاده بلخ بامیان بود یعنی محل تلاقی دو حوزه فرهنگی دینی اسلام و بودیسم زبان گفتگوی این دو حوزه فرهنگی و دینی را به راه انداخت و خود بر قله رفیع شعر عرفانی ایستاد. ویژگی مهمی که برای جوامع معناگرا و مشتاق معرفت بسیار جذاب است. شوق و شور و هیجان عاشقانه و امید بخش و کمالگرایی که دو پیام اصلی مولانا است امروزه نیز می تواند نسخه شفابخشی برای نابسامانی ها، آشفتگی و اوضاع اجتماعی حاکم بر بسیاری از جوامع بشمار آید واز نسخه شفابخش حکیمانی چون سعدی و مولانا برای درمان و بازگرداندن آرامش و شوق و هیجان عاشقانه و امید بخش و کمالگرایی، که پیام اصلی ادبیات فارسی است در ذهن و جان مخاطب بهره جست. یکی از ویژگی های بزرگ شاعران ایرانی جهان- وطنی بودن است چرا که مخاطبشان فطرت های انسانی بوده و مرزهای جغرافیایی برایشان امری فرعی محسوب می گردید. در نتیجه یک ترک، افغان و ایرانی، مولانا، نظامی و بسیاری دیگر از شاعران نامی ایران را متعلق به خود می دانند؛ این ویژگی جهان وطنی ادبیات فارسی می تواند به یک مزیت و نقطه مثبت در دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ا. با سایر ملل تبدیل گردد و مرز مشترکی از هویت، تاریخ و فرهنگ را ترسیم نماید. همانگونه که بسیاری از کشورها امروزه سعی دارند با جهانی سازی ظرفیت های موجود در زبان و ادبیات و مفاخر ادبی خود فرصت های مناسبی برای مقاصد سیاسی و اقتصادی خود فراهم آورند، ادبیات فارسی و شاهکارهای آن و همچنین شاعران بزرگ ایرانی نیز به دلیل اقبال جهانی بیش از مفاخر ادبی سایر ملل از ظرفیت جهانی سازی و ظرفیت سازی برای توسعه تعاملات فرهنگی اقتصادی و سیاسی با سایر ملل برخوردار می باشند. لذا راه اندازی نهضت ترجمه آثار ادبی، جهانی سازی پیام های جهانی ادبیات فارسی با بهره گیری از ظرفیت های هنر و رسانه و دیگر ابزارهای نوین، راه اندازی گردشگری ادبی برای مشتاقان زبان و ادبیات فارسی و توسعه همکاری های علمی از ظرفیت های مناسب جهت بهره گیری از ظرفیت زبان فارسی در توسعه دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ا. در جهان بشمار می رود. امروزه که ظهور و بروز بحران اخلاقی و هویتی و سقوط انسان معاصر از ارزش های انسانی و دینی مهمترین چالش و بحران انسان معاصر بشمار می رود زبان فارسی به دلیل ظرفیت ها و پیام های بی نظیر و تاثیرگذار آن در عرصه عرفان و اخلاق و تبیین ارزش های انسانی و جهانی، بیش از هر زبان و عنصر فرهنگی دیگری قابلیت و توانایی دارد تا انسان امروز را از این بحران عبور داده و جامعه بشری را بسمت جهانی اخلاقی، خردگرا و اعتدالی هدایت نماید. امروزه در عصر فناوری ارتباطات و دهکده جهانی و تحولات پیچیده حاکم بر زندگی بشر، هیچ منبع و اثری بهتر و تاثیرگذارتر از شعر و کلام مولانا، سعدی، حافظ و دیگر شاعران برجسته مسلمان ایرانی نمی تواند انسان سرگشته امروز در جای جای جهان را آرام کند، و به او درک و تعریف درستی از دین و ارزش های دینی بویژه اسلام ارائه نماید و میل او به تفکر و اندیشه و همچنین شکل دهی مناسب عادلانه و مودت آمیز در ارتباطات انسانی را تقویت نماید. از اینرو آنچه که امروزه نیز می توان از جاذبه های زبان فارسی در تاثیرگذاری بر دیگر مردمان نام برد قدرت و قابلیت شفابخشی آن برای نهادهای نارام بشری است. ادبیات فارسی از قدرت و قابلیت بسیار بالایی هم در پرکردن خلأهای درونی و ناآرام بشر و هم پایان بخشیدن به سرگشتگی و پاسخ گویی به پرسش هایش را دارد. چرا که همواره در صدد ارائه الگوهای برای خوب زیستن انسانی است که بر اساس فهم عمیق، عارفانه و بلند او از هستی و زندگی شکل گرفته است.^{۵۲}

- زبان فارسی و ادبیات عرفانی، ظرفیت مهم دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ا. با جهان اسلام

علاوه بر سهم و جایگاه زبان فارسی به عنوان دومین زبان مهم جهان اسلام و زبان سنت های فلسفی و حکمی اسلام، ادبیات عرفانی که عمدتاً متأثر از ادبیات فارسی است مهمترین حلقه وصل فرهنگی و دینی ایران با بخش مهم از جامعه مسلمانان و امت اسلامی که تحت تاثیر تصوف و عرفان می باشند محسوب می گردد. امروزه قریب به شصت درصد از جمعیت مسلمانان در کشورهای مختلف را جریان های صوفیه تشکیل می دهند. بخش مهمی از نگرش های عرفانی مسلمانان صوفی مسلک بویژه در شبه قاره و آسیای جنوب شرقی تحت تاثیر ادبیات عرفانی ایران و شاعران و عارفان نامی ایران زمین همانند حلاج، مولانا، سعدی و حافظ بوده است که میراث مشترک و ظرفیت عظیمی را در تعاملات ج.ا.ا. با جهان اسلام فراهم ساخته است. این مکتب ادبی و عرفانی که شخصیت های برجسته ای چون مولانا، حافظ، امیر خسرو دهلوی، خواجه نظام الدین اولیاء، بیدل دهلوی، میرزا غالب دهلوی و صدها

شاعر و عارف برجسته فارسی زبان متعلق به آن می باشند دارای ویژه گی ها و شاخصه هایی است . مهمترین شاخصه این مکتب بیان احوالات و عقایدشان بجای زبان عربی از زبان فارسی ، و زبان متأثر از آن یعنی اردوست . فارسی نه تنها برای نوشتن کتب عرفانی استفاده می شد بلکه شعر و نظم عرفانی نیز به این زبان نگاشته می شد. در واقع از قرن پنجم هجری زبان عربی جای خود را به فارسی داد و فارسی زبان اصلی در بسیاری از مناطق عالم اسلامی گشت . قرن پنجم هجری مصادف است با زمانی که صوفیان خراسان از زبان فارسی برای نگارش استفاده می کردند. از جمله منابع بسیار قدیمی در این زمینه کتاب "التعارف مستعملی" بخارایی و کتاب "کشف المحجوب" حجویری است . حتی غزالی -مرگ ۵۰۵ هجری قمری- که اثر بزرگ احیا علوم دین را به عربی نوشته بود بعدها خلاصه آن را به فارسی برگرداند. دومین مشخصه این مکتب عرفانی و ادبی استفاده بسیار از شعر است . شیوه ای که اکثر عارفان ایرانی از آن برای بیان احساسات و بیان عارفانه خود استفاده کرده و منابع بسیاری را تولید کردند . سومین مشخصه آن استفاده از داستان سرایی برای بیان عقائد پیچیده عرفانی و یا دستورات اخلاقی دینی است . حلاج از عارفان ایرانی خراسان (قرن پنجم هجری) داستان تمثیلی را به طریقی پیشرفته تر استفاده کرده است . منطق الطیر عطار نیز بر همین منوال نوشته شده است که از اثری شبیه به آن از غزالی گرفته است و هر دو اثر متأثر از فیلسوف بزرگ خراسان یعنی ابن سینا ست . ابن سینا تمثیلی برای بیان عقیده نوافلاطونی بازگشت روح به اصل خویش دارد که در دو اثرش یعنی رساله حی ابن یقطان و مرجان نامه بدان پرداخته است. ویژگی چهارم آن استفاده مکرر از مفهوم عشق برای بیان رابطه انسان با خداوند است . که در قرآن از کلمه حب یعنی حکایت عاشقانه عابد و معبود استفاده شده است. عثرفا از کلمه عشق که بیشتر برای محبت بین دو انسان بکار گرفته می شود استفاده می نمایند. استفاده از شعرها و داستانهای عاشقانه تاثیر مهمی بر گسترش استفاده از استعاره در ادبیات صوفیانه دارد مفهوم عشق از شاخصه های مهم این مکتب عرفانی است در ربع قرن اول قرن هفتم هجری به اوج خود رسید . انسان دوستی از دیگر ویژه گی های این مکتب است که از آغاز شعر و ادبیات مکتوب فارسی تا قبل از حمله مغول پر رنگ و چشمگیر بوده است که بخشی از آن تحت تاثیر دیالوگ و گفتگو با فرهنگ و فلسفه سایر ملل شکل گرفت . آثار خیام نیشابوری از شعرا و متفکران نامی و کلاسیک ایران سرشار از انسان دوستی است و ستایش از زندگی و انسان و ستایش خردمندی و خرد است . ویژه گی دیگر اینکه شعرا و عرفای بزرگ مسلمان ایرانی و هندی فراتاریخی و فرامذهبی و فارغ از زمان و مکان به گفت و گو برای همدلی و همزبانی می پرداختند . و همین ویژگی است که آثار عرفانی فلسفی فارسی بخشی مهمی از میراث عقلانی اسلامی بشمار آمده و امروزه نیز برای حیات عقلانی و مبارزه با افراط گرایی در جهان اسلام دارای اهمیت بسیاری است . دیگر ویژه گی این مکتب اینکه ؛ مهم ترین مکاتب فکری ، فلسفی و عرفانی در زبان شعر فارسی بالیده و به اوج خود رسیده است . شعر و ادب همان وظیفه ای که امروزه رسانه ها و مطبوعات بر عهده داشتند به عنوان سخنگو و ترجمان احساس و ادراک و پناهگاه ذوقی و روحی مردم بشمار می رفته است . ادبیات فارسی بویژه شعر فارسی و عرفانی در طی عمر هزار ساله خود ذخیره حیرت آوری از معانی گوناگون را در خود نهفته است . نکته دیگر رابطه اخلاق و ادبیات در طی هزار و اندی سال تاریخ ادب فاسی است . پیوستگی و گسستگی اخلاق و زبان و ادب فارسی بویژه شعر فارسی که از کلمه ادب و اخلاق اخذ شده است حائز اهمیت می باشد . مهمترین پیام عرفان و تصوف فارسی و ایرانی وحدت فارغ از مرزهای جغرافیایی ، مذهبی و قومی بود . این پیام امروزه که جهان اسلام دچار کشمکش و منازعات بسیاری است همچون گذشته کارساز و حائز اهمیت است . بکلیت می رسد استفاده از ظرفیت زبان و ادبیات عرفانی فارسی امروزه نیز که عرفان بعد مهمی از گرایشهای مذهبی و بخشی از عقائد رایج در میان مسلمانان را تشکیل می دهد حایز اهمیت است . سهم ادبیات عرفانی ایران در تقویت بعد عرفانی و تصوف اسلامی و همچنین گسترش اسلام عرفانی در آسیای جنوب شرقی و شمال آفریقا حائز اهمیت بوده مهمترین ظرفیت برای گفت وگوهای مذعبی و فرهنگی بشمار می آید . آهمانگونه که امروزه نیز می توان از ظرفیت بالای ادبیات

^{۵۳} پورجوادی نصرالله ، فارسی گوینان عارفان نخستین ، مجله نشر دانش ، زمستان ۱۳۸۰ ، شماره ۱۰۲ . عرفان پلی میان فرهنگ ها ، مجموعه

مقالات بزرگداشت آنه ماری شیمیل ، ۱۳۸۱ ، دانشگاه تهران و موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی

^{۵۴} ساداتی نژاد ، سعید محمد ، جایگاه تصوف در افزایش همگرایی فرهنگی در منطقه ی آسیا ، فصلنامه مطالعات روابط فرهنگی بین المللی ، سال چهارم ، شماره ششم بهار ۱۳۹۷ .

^{۵۵} برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به مقاله عرفان ، پل مشترک فرهنگی ایران و آسیای جنوب شرقی ، ربانی محمد علی ، فصلنامه مطالعات روابط فرهنگی بین المللی ، سال چهارم ، شماره ششم بهار ۱۳۷۹ ، ص ۲۳-۳۸

^{۵۶} نصر ، سید حسین ، جلوه های معنویت در جهان اسلام : طریقه های عرفانی ، ترجمه : فاطمه شاه حسینی ، قم : انتشارات دانشگاه ادیان و

عرفانی برای پیشبرد گفتگوهای فرهنگی و دینی بین ایران و هند بهره جست. چرا که ویژه گی های نهفته در ادب و عرفان فارسی همانند درست دیدن و حسن ظن داشتن و قضاوت کردن برپایه خوش بینی و حسن ظن می تواند امروزه نیز راهکار مناسبی برای گسترش تفاهم و صلح جهانی بویژه تقویت همبستگی و وحدت امت اسلامی محسوب گردد. نکته مهم دیگر اینکه بهره گیری از منابع ادبی ایران صرفا منحصر در جریان های صوفیه نمی باشد بلکه بر اساس یک سنت تاریخی برخی منابع بویژه گلستان و بوستان سعدی و آثار غزالی، به عنوان منابع اخلاقی در بسیاری از مدارس دینی وابسته به دیگر جریان های فکری اهل سنت بویژه در شبه قاره و آسیای جنوب شرقی تدریس می گردید و از منابع مهم تربیتی آنان بشمار می آمد.

- زبان فارسی ، مهمترین فرصت ارتباطی با جهان ایرانی و ایرانیان خارج از کشور

ادبیات فارسی اصلی ترین پل ارتباطی و پیوستگی فرهنگی تاریخی میان جهان ایرانی و همه ایرانیان است. زبان فارسی علاوه بر قابلیت برقراری ارتباط میان گذشته، حال و آینده میان ایرانیان با مردمان حوزه تمدن ایرانی اسلامی، علائق آنها را با میراث فرهنگی تمدنی مشترکی که زبان فارسی مهم ترین پایه هویتی آن بشمار می رود پیوند می زند و به بازسازی هویت مشترک میان آنان کمک می نماید. این ویژگی و کارکرد مهم و برجسته ادبیات فارسی به دلیل ماهیت بینا فرهنگی و مشترک آن توانسته است جغرافیای فرهنگی بسیار پهناورتری از مرزهای جغرافیایی ایران پدید آورد و علاوه بر اتصال و پیوست بین اقوام و نسل های مختلف ایرانی، به عامل مستحکمی جهت برقراری پیوندهای هویتی و فرهنگی میان ایرانیان با سایر ملت های حوزه فرهنگی تمدنی ایران تبدیل گردد. زبان فارسی در طول تاریخ گذشته توانسته است مجموعه ای از میراث مشترک ادبی، سنت های فرهنگی، و آداب و رسوم مشترک را در حوزه تمدن ایرانی سامان دهد. این سرمایه مشترک برآمده از زبان فارسی امروزه ظرفیت بسیار مهمی جهت همسویی و همکاری میان جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه بویژه کشورهای فارسی زبان همسایه بشمار می آید. زبان فارسی همانگونه که در قرون گذشته یکی از ظرفیت های تاثیرگذار برای فرهنگ سازی و تمدن سازی مشترک با ملت های منطقه بشمار می رفته است امروزه نیز اگر بحث از تمدن نوین اسلامی می شود قطعاً یکی از ظرفیت های مهم و تاثیرگذار در افق گشایی جهت تحقق آن و رسیدن به این چشم انداز امیدبخش و افتخارآفرین، زبان و ادب فارسی است. مضاف بر اینکه زبان فارسی از ظرفیت بالایی جهت همکاری های علمی، آموزشی برخوردار می باشد. وجود صدها دپارتمان زبان فارسی در مراکز دانشگاهی در منطقه و سایر کشورها این فرصت و امکان را فراهم آورده است تا با پی ریزی همکاری های علمی آموزشی میان دانشگاه های ایران با مراکز دانشگاهی فوق از ظرفیت زبان فارسی در توسعه و گسترش دیپلماسی علمی بهره جست. زبان فارسی می تواند این فرصت را نیز فراهم آورد که هر ساله هزاران مشتاق به شعر و ادب و زبان فارسی را در قالب تورهای گردشگری ادبی راهی ایران نمایند و صنعت گردشگری کشور را رونق بخشد. مبادله استاد و دانشجو، همکاری های علمی در ترجمه و نشر و پژوهش آثار ادبی، همایش ها و تحقیقات مشترک ادبی، فرصت ها و اردوهای علمی از جمله دیگر زمینه های همکاری در این عرصه بشمار می آید. همانگونه که وجود میلیون ها نسخه خطی فارسی در کشورهای منطقه بویژه شبه قاره هند سرمایه و فرصت گرانبغی جهت پی ریزی همکاری های مشترک فرهنگی بشمار می رود. نکته حایز اهمیت دیگر اینکه آنچه که امروزه می تواند میلیون ها ایرانی مهاجر در خارج از کشور که در معرض چالش ها و بحران های گسست هویتی قرار دارند را حفظ نماید و آنان را به سرزمین مادری شان متصل گرداند، زبان فارسی است. فرصت فرهنگی تاثیرگذاری که می تواند طیف گسترده ای از ایرانیان مهاجر را پوشش دهد و به تقویت ارتباطات آنان با نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور کمک نماید.

مذاهب، ص ۴۰۰-۴۷۲. رضوی، سید اطهر عباس، تصوف در شبه قاره هند، ترجمه شاه حسینی فاطمه، اطلاعات حکمت و معرفت، ۱۳۸۶، سال دوم شماره ۱۰ ص ۳۹-۴۶.

۵۷ همان

۵۸ امیراحمدیان بهرام زبان فارسی و کاربرد آن در همگرایی منطقه ای در جهان ایرانی مجله مطالعات ایرانشناسی پائیز ۱۳۹۷ شماره ۱ ص ۱-۲۹.

۵۹ نجفی مجتبی نفوذ تبلیغ و گسترش تمدن اسلامی در ملل مختلف از طریق فرهنگ زبان فارسی مجله زبان و فرهنگ ملل بهار و تابستان ۱۴۰۰ سال چهارم شماره ۱ ص ۱۲۷-۱۶۶.

نتیجه:

امروزه دیپلماسی زبان به دلیل قدرت تاثیرگذاری پایدار و همچنین سود دهی تجاری آن رکن مهم از دیپلماسی عمومی و فرهنگی کشورها بشمار می رود. تجربه تاریخی بهره گیری ایرانیان از زبان فارسی نیز بما می آموزاند که امروزه نیز می بایستی از پتانسیل مثبت و بالای عنصر زبان و ادب فارسی در دیپلماسی فرهنگی بهره گرفت. چرا که امروزه نیز عامل زبان، شعر و ادب که ارکان شکل گیری فرهنگ ایرانی اسلامی بشمار آمده و در شکل گیری شعور و خرد مشترک و شیوه زندگی سهم تاثیرگذاری بر عهده دارد می تواند همچون گذشته یکی از راه های تاثیرگذار در ایجاد پیوندهای عمیق و پایدار در مسیر تعاملات و همکاری های فرهنگی بشمار آید.

زبان و ادب فارسی علیرغم فراز و فرودهای مربوط به از دست دادن پشتوانه های سیاسی و اقتصادی خود در جهان، هنوز زنده است و مردمان بسیاری در گوشه کنار جهان زبان و ادبیات فارسی را منبعی الهام بخش و سرچشمه ای جوشان از فرهنگ، اخلاق و ارزش های معنوی دانسته و به آن دلبسته اند. متأسفانه امروزه رویکردهای تک جهتی به زبان فارسی و منحصر دانستن آن به عنوان زبان مکالمه و با تمرکز به حوزه آموزش، دیپلماسی فرهنگی را از ظرفیت ها و قابلیت های جهانی و تاثیرگذار ادبیات فارسی و ابعاد فرهنگی، دینی و تمدنی آن محروم نموده است. حال آنکه ادبیات فارسی به دلیل قدرت و قابلیت شفاف بخشی بالای آن برای نهاد نارام بشری و پرکردن خلأهای درونی و معنوی بشر و همچنین ارائه الگوهای برای خوب زیستن انسانی، ساماندهی فهم اواز هستی و زندگی اخلاقی، پایان بخشیدن به سرگشتگی و پاسخ گویی پرسش هایی که انسان امروز بدنبال آنست می تواند به جذاب ترین و مهمترین مزیت فرهنگی ج.ا.ا. در تعاملات فرهنگی بین المللی آن مطرح گردد.

دستگاه دیپلماسی فرهنگی می تواند با بهره گیری از ظرفیت زبان و ادب فارسی بخش وسیعی از مخاطبان را در جهان اسلام، حوزه فرهنگی تمدنی ایران، ایرانیان مهاجر و همچنین مشتاقان و تشنگان به شاهکارهای ادبی ایران را جذب و از قابلیت بالای تصویرسازی آن بهره گیرد. همانگونه که بهره گیری از ظرفیت زبان و ادب فارسی به دلیل قدرت بالای تبیینی و اغنایی آن، دستگاه دیپلماسی فرهنگی را در راه رسیدن به اهداف پیش بینی شده آن در تبیین و معرفی اسلام، انقلاب اسلامی و مکتب اهل بیت ع به جهانیان کمک می نماید. استفاده از زبان فارسی بویژه شاهکارهای ادبی و جهانی آن امروزه نیز فرصت و ظرفیت مناسبی جهت همکاری های فرهنگی، هنری، گردشگری، علمی و آموزشی، نهضت ترجمه، بشمار می رود و بیش از دیگر عناصر فرهنگی از قابلیت اجماع سازی و فراهم آوردن فرصت های همکاری ها و مشارکت و همچنین تبدیل شدن به فعالیتی سودآور و پربازده برخوردار می باشد.

منابع:

- امیراحمدیان بهرام زبان فارسی و کاربرد آن در همگرایی منطقه ای در جهان ایرانی مجله مطالعات ایران شناسی پائیز ۱۳۹۷ شماره ۱
- جعفری دهقی محمود زبان ایرانی ابزار تعامل فرهنگی مجله مطالعات ایرانی بهار ۱۳۸۳ شماره ۵
- خوش هیکل آزاد، محمد، پیوندهای تاریخی فرهنگی ایران و جنوب شرقی آسیا واژه های فارسی دخیل در زبان ملایو، فصلنامه مطالعات روابط فرهنگی بین المللی، بهار ۱۳۹۷، سال چهارم شماره ۶.
- داوری اردکانی، رضا، آموزش زبان فارسی فرصتی مغتنم برای گسترش فرهنگ ایرانی، مجله مطالعات ایرانی، بهار ۱۳۹۲ شماره ۵۲
- رحمتی، محسن، خواجه نظام الملک و گسترش زبان فارسی در آناتولی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال هجدهم، شماره سی و پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۸
- ریاض الاسلام ۱۳۷۳ تاریخ روابط ایران و هند ترجمه آرام محمد باقر تهران انتشارات امیرکبیر
- رضوی، سید اطهر عباس، تصوف در شبه قاره هند، ترجمه شاه حسینی فاطمه، اطلاعات حکمت و معرفت، ۱۳۸۶، سال دوم شماره ۱۰
- نجفی مجتبی نفوذ، تبلیغ و گسترش تمدن اسلامی در ملل مختلف از طریق فرهنگ زبان فارسی، مجله زبان و فرهنگ ملل، بهار و تابستان ۱۴۰۰، سال چهارم شماره ۱

- نصر، سید حسین ، جلوه های معنویت در جهان اسلام: طریقه های عرفانی، ترجمه: فاطمه شاه حسینی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب،
- مصطفوی سبزواری ، رضا ، سهم زبان فارسی و فارسی زبانان در تمدن جهانی ، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان ، بهار ۱۳۷۶ ، شماره ۱ .
- قبادی ، حسینعلی گرجی مصطفی ، ۱۳۵۹ ، جان جهان تحلیل چشم انداز پیام های جهانی ادبیات فارسی ، تهران ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
- صفا ، ذبیح الله ، فرهنگ ایرانی و اثر جهانی آن ، مجله مدرسه عالی ادبیات و زبان های خارجی ، ۱۳۵۰ .
- میراث ایران ، تالیف سیزده تن از خاورشناسان ، ترجمه هیات مترجمان ، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۶ .
- فلاح ، مرتضی ، جایگاه فرهنگ و زبان فارسی در شبه قاره ، مجله مطالعات شبه قاره ، بهار ۱۳۸۹ شماره ۲ ۶۷-۹۸ .
- فقیهی ، حسین ، زبان فارسی در شبه قاره ، نامه پارسی شماره ۲ سال ۱۳۸۰ ، ص ۱۶۴-۱۷۱ .
- نصر سید حسین ۱۳۸۳ سنت عقلانی اسلامی در ایران ترجمه سعید دهقانی قصیده سرا تهران چاپ دوم .
- پورجوادی نصرالله ، فارسی گویان عارفان نخستین ، مجله نشر دانش ، زمستان ۱۳۸۰ ، شماره ۱۰۲ .
- عرفان پلی میان فرهنگ ها ، مجموعه مقالات بزرگداشت آه ماری شیمل ، ۱۳۸۱ ، دانشگاه تهران و موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- ساداتی نژاد ، سید محمد ، جایگاه تصوف در افزایش همگرایی فرهنگی در منطقه ی آسیا ، فصلنامه مطالعات روابط فرهنگی بین المللی ، سال چهارم ، شماره ششم بهار ۱۳۹۷ .
- گراوند مجتبی رخشان غلامی ، تاثیر زبان فارسی بر هند دوره گورکانیان ، پژوهشنامه تاریخ اسلام ، زمستان ۱۳۹۸ ، شماره ۳۶ ،

- Dominic Abrams and Michael A. Hogg Dominic Abrams January 2010 Social Identity and Self-Categorization institution/University_of_Kent .
- Modebadze, I. 2013. The National Language Image of the World and the Process of Cultural Globalization. Socialiniu Mokslu Studijos, 5(1), 101–109.
- Fairclough, N. L. 1989. Language and power. London: Longman.
- Ng, S. H., & Bradac, J. J. (1993). Power in language: Verbal communication and social influence. Newbury Park, CA: SAGE. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.4135/9781412994088.n202>
- <https://www.diplomacy.edu/people/stanko-nick/> Stanko nick ,2001 , Use of language in diplomacy.
- Danet, B. (1980). Language in the legal process. Law and Society Review, 14, 445–564.
- Suárez Castiñeira, M. L. (2013). Language, Power and International Relations: The Case of English in the EU. Challenges of the Knowledge Society, 3, 1096–1106.
- Crystal, D. (2012). English as a global language, 2d ed. Cambridge University Press.
- Cultural Diplomacy as a Network and Networking in International Relations: The Case of Cultural Diplomacy in Russia 2021 | <https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/21582440211054119>.
- Ng, S. H., & Bradac, J. J. 1993. Power in language: Verbal communication and social influence. Newbury Park, CA: SAGE. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.4135/9781412994088.n202>.
- Fairclough, N. L. 1989. Language and power. London: Longman. Ng, S. H., & Bradac, J. J. 1993. Power in language: Verbal communication and social influence. Newbury Park, CA: SAGE. Retrieved from <http://dx.doi.org/10.4135/9781412994088.n202>.
- Fidrmuc J, Fidrmuc J ,2009, Foreign languages and trade. Discussion Paper No 7228, C.E.P.R. London.
- Melissen, J. 2005. The New Public Diplomacy: Between Theory and Practice. En J. Melissen

(Ed.), *The New Public Diplomacy: Soft power in International Relations* (pp. 3–27). Basingstoke: Palgrave Macmillan.

-Modebadze, I. 2013. *The National Language Image of the World and the Process of Cultural* . Zdentk Sazmann ٢ 000 Language wars and Liguistic politics ,ResearchGate

- ICCR’s Centres Abroad. Retrieved from <http://www.iccr.gov.in/content/iccrs-centres-abroad-1٢٠١٨> The Indian Council for Cultural Relations

(ICCR)<https://www.iccr.gov.in/about-us>

-Zhu, H., & Li, W. (2014). *Geopolitics and the Changing Hierarchies of the Chinese Language: Implications for Policy and Practice of Chinese Language Teaching in Schools in Britain*. *The Modern Language Journal*, 98(1), 316–329

- Ren, Z. (2012). *The Confucius Institutes and Chinese Soft Power* (No. IDE DISCUSSION PAPER No. 330). Japan.

-The Confucius Institutes and Chinese Soft Power (No. IDE DISCUSSION PAPER No. 330). 1Murasaki Shikibu https://cn.imsip.org/wiki/Category:Murasaki_Shikibu

-Hill, D. T. (2016). Language as “soft power” in bilateral relations: the case of Indonesian language in Australia. *Asia Pacific Journal of Education*, 36(3), 364–378

-(Armour, 2015: 3 1Armour, W. S. (2015). *The Geopolitics of Japanese Soft Power and the Japanese Language and Studies Classroom: Soft Power Pedagogy, Globalization, and the New Technologies*. En -Nakane, E. Otsuji, & W. S. Armour (Eds.), *Language and Identities in a Transitional Japan: from Internationalization to Globalization*. New York: Routledge

- Huh, T.-W. (2012). *The Republic of Korea’s Public Diplomacy as a Policy Tool of Softpower*. *CPD*, 3(2).

-Jin, D. Y., & Yoon, K. (2016). *The social mediascape of transnational Korean pop culture: Hallyu 2.0 as spreadable media practice*. *new media & society*, 18(7), 1277–1292.

-Kim, H. (2017). *Bridging the Theoretical Gap between Public Diplomacy and Cultural Diplomacy*. *The Korean Journal of International Studies*, 15(2), 293–326.

-Villanueva, C. (2015). *The use of the Spanish language as a cultural diplomacy strategy for extending Mexico’s soft power in the United States*. *Place Branding and Public Diplomacy*, 11, 139–147.

https://www.researchgate.net/publication/276000634_Language_Wars_and_Linguistic_Politics

Globalization. *Socialiniu Mokslu Studijos*, 5(1), 101–109. .https://www.researchgate.net/publication/276000634_

-Sik Hung Ng and Fei Deng ,2017,*Language and Power*,Oxford Research Encyclopedia. *Cultural Diplomacy as a Network and Networking in International Relations: The Case of Cultural Diplomacy in Russia 2021* | <https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/21582440211054119>.

-<https://www.britishcouncil.org/>

-<https://sejung.ir/> <https://sejung.ir/>

-<https://www.humboldt-foundation.de/en/>

-IfA—Institute for Foreign Relations, Michels

-<https://www.goethe.de/en/index.html>

-<https://www.mgirti.ac.mu/> <https://www.mkgandhi.org/gandhiji/26language.htm>

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4083->